

پیام کمیته مرکزی سازمان

نوروزتان فرخنده باد

عید باستانی نوروز، این یادگار نیاکان ما فراسید. جشن خجسته رستن و روئیدن، تکوین و تکوین، تازگی و خرمی بخانه‌ها مان با گذارده است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، فرارسیدن نوروز باستانی را به تمام هم‌میهنان شادباش می‌گوید. در آستانه این عید بپاری، سعادت و نیک بختی برای همه شما و روز و روزگاری نو برای میهن بپرافتخارمسان آرزو می‌کنیم.

هم‌میهنان! زمستان سرد که بزمردگی می‌بیرا کند، رفت و جایش را به بهار زندگی آفرین گرفت. این تسلسل حیات طبیعت بشارت می‌دهد، زمستان استبداد آخوندی خمینی که مرگ و سیاه‌روزی می‌بیرا کند رفتنی است و بهار آزادی که زندگی و بهروزی به بار می‌آورد خواهد آمد.

در سالی که گذشت حکمت هفت ساله ایران و عراق با یان گرفت. با یان جنگ و خون‌ریزی میان دو کشور که خمینی آن را جاذبه‌زهری درک ما بیا کش توصیف کرد، جنمهای مردم‌سپاری را به روی جنابیت‌های خمینی و دیگر سران رژیم کشود. مردم دیدند که خمینی تنها به خاطر اهداف ارتجاعی و جاه طلبانه خود صدها هزار را از راهی کورستان هسا کرد، میلیون‌ها نفر را آواره نمود، صدها هزار را غلیل و عا جز ساخت و بخت‌های بزرگی از سر زمین ما را به آتش کشید و ویران کرد. جنابیت هولناکی و خسارات عظیمی که خمینی تنها از رهگذر ادا محکم به مردم و میهن ما روا داشت تا بدان پایه است که سلسله‌ای از منما دی از عواقب مصیبت آن در رنج و عذاب خواهد بود و تولید و بازسازی ملی تا آنگاه نیز قادر به ترمیم آن نخواهد بود.

هنوز ناله‌های خاسوز قربانیان جنگ در گوش ما طنین انداز بوده که خمینی به حساب بست هونناک دیگری دست باز زد و قاتل ملی دیگری آفرید، زندانیان سیاسی کور را قتل‌عام کرد. رژیم طی جنابیت دهشتناکی بیش از هزار تن از انقلابیون دربند کشور، زنان و مردانی را که سبز یک بختی و سعادت مردم، جز صلح و آزادی و عدالت سودای دیگری در سر نداشتند، به جوخه اعدام سیرد. استبداد او ختنناقی که بر لولای جمهوری اسلامی بر میهن ما سطرده دارد، هم‌قوای مردمی، ملی و میهنی ما را به بند کشید و با ناز و زندگی، شکوفایی و بلبلنگی است. با مبارزه در راه دستیابی به بهار آزادی با بدترین زمستان سیاه آخوندی با یان داد.

هم‌میهنان! دشمنی رژیم آخوندی خمینی با مردم و آرمان‌های ملی و میهنی ما ابعاد کونا کونی دارد. این رژیم حتی به سن و آداب عیسویت باستانی نوروز نیز به چشم دشمنی نگردیده هر ترفندی در راهی اعتبار کردن عید ملی و مردمی نوروز دست می‌زند. بر مردم ماست که به مشا به جلوه‌ای از نفرت و انزجار روزم حویا به خود به رژیم آخوندی خمینی این عید باستانی را به سبزرگ دارند و همه آداب و رسوم مربوط به آن را با سرزندگی هر چه بیشتر به جا آورند.

مردم آزاده ایران! در روزهای عید به دیدار با زمانه‌نگاران شهدای خلق بروید! از خانواده‌های زندانیان سیاسی دیدار کنید. با همدردی و همستگی با بازماندگان شهدای خلق و خانواده‌های زندانیان سیاسی از دیدار زنده‌های نوروزی جلوگیری نکنید. از عزم روزمندان علیه رژیم آخوندی خمینی برپا سازید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شادباش می‌گوید و برای همه مردم ایران نیک بختی و بهروزی آرزو می‌کند. هر روزتان نوروز نوروزتان نوروز

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول فروردین ماه ۱۳۶۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره برگزاری پلنوم اسفند ماه ۶۷

در صفحه ۲

گزارش سیاسی پلنوم کمیته مرکزی

پیرامون اوضاع سیاسی

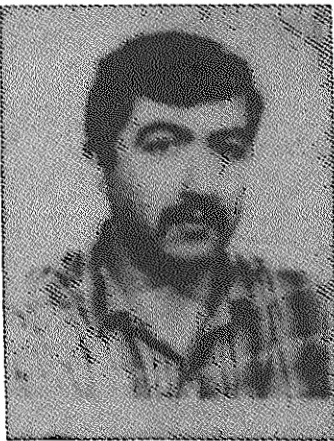
در صفحات ۴ و ۵ و ۶ و ۷

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان

رفیق رحیم اسداللهی انقلابی پرسابقه،

فرزند فداکار مردم، اعدام شد

در صفحه ۲



یادنامه رفیق رحیم اسداللهی

در صفحه ۲

رژیم فدمردمی و ددمنش خمینی دست به جنایت تازه‌ای آلود. رفیق رحیم اسداللهی - علی‌چریک - انقلابی پرسابقه و عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، پس از گذشت نزدیک به ۶ سال از امارتش در زندان‌های جمهوری اسلامی، در روز ۲۴ بهمن ماه ۶۷ توسط دژخیمان رژیم تیرباران شد.

رفیق رحیم اسداللهی نقش بزرگی در حفظ موجودیت و یکپارچگی سازمان در سالیهای دشوار ۵۶ - ۵۵ بر عهده داشت. او در سازمانگری جنبش هم‌فران مبارز و فعالیت شریخی سازمان ما در قیام ۲۲ بهمن ماه ۵۷، سهم نمایان و افتخار آفرینی داشت. شهادت رفیق رحیم اسداللهی ضایعه بزرگ تازه‌ای برای جنبش انقلابی مردم ایران است.

هراس خمینی از

شکاف در جبهه حزب‌الله

روز سوم اسفندماه، خمینی پیام مهمی خطاب به "مراجع اسلام، روحانیون سراسر کشور، مدرسین و طلاب حوزه‌های علمیه و همه جمع‌ها تا آنگاه که قبل از هر چیز بیانگر سراسیمگی و آرزوهایندگی معطلات جاری و اضطراب عمیق آنست به آینه‌سده رژیم ولایت فقیه است. از آنجا که بیایم‌های بعدی خمینی، و منحل‌ه اظهارات او در آستانه سال نو همه همان خط بیایم‌ها را تکرار و تکمیل می‌کنند، حتما در درگاه مقامات این بیایم‌ها توجه بیشتری شود.

اهمیت این بیایم‌ها چیست؟ واقعیت آن است که بنا بر فرجام و سبکست اوها منظم طلبا ترس و ما جراحی‌ها به خمینی، با لاک‌رفتن اختلافات حکومتی و تشدید صف بندی جناح‌ها و با ندهای درون حاکمیت (به ویژه پس از برقراری آتش بس)، بحران تشدید اقتصادی و افزایش نا رضایی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به رژیم آخوندها دلایل لازم را برای احساس بی‌بسیم و نگرانی از جلال و آینده رژیم در مقامات حاکمه به خصوصی خمینی ایجاد می‌کند. اضطراب و احساس خطر خمینی از شکل گیری اختلافات اساسی تر در جبهه حزب الله و روحانیت حاکم است. صحبت تنها بر سر این با آن رسته اختلافات در عرصه سیاست و اقتصاد نیست، بلکه فراتر از آن، بر سر تجدید نظر در سیاست، دیپلماسی و اصول است. بر سر جمع بندی کارنامه ده ساله جمهوری اسلامی، بر سر شعارها و مواضع و بر سر حکومتی آریایی راه طی شده است. مدتی است که در حاکمیت منحل‌ه برای شخصی خمینی، نه تنها اختلافات حکومتی و وجود جناح‌ها، بلکه تشکیک مشروعیت آنها امری مسلم و بدیهه شده است. در فتوای معروف ۱۷ بهمن ماه ۶۶، خمینی به عیب کشید که اختلافات درون حکومتی را با ایجاد رگایی به نام "مجمع تشخیص مصلحت نظام" مهار کند، اما موج اختلافات از "سد" مجمع بقیه در صفحه ۲

چهار میلیون مهاجر ایرانی باید

به میهن بازگردند

اکنون حدود چهار میلیون ایرانی آواره، غریب و مصیبت زده در پنج قاره عالم سرگردانند. از امریکتا ژاپن، از اروپای غربی تا اروپای شرقی، از آسیا تا آفریقا، به هر کجا که نظر بر بیافکنی، انبوهی از هم‌میهنان ما، دور از میهن خود، دور از خانواده و کانه و موطن خسود، دور از سرزمینی که در آن زاده شدند و رنج کشیدند و عشقش را در جان خود نهفته اند، زندگی بسیار سخت و دردآوری را سپری می‌کنند. آنها برای هر عرصه از امور زندگی، برای کار کردن، فعالیت کردن، تحصیل کردن زبان مادری خویش، شرکت در زندگی و سرنوشت کشور خویش، ساختن یک زندگی مطمئن و آینه‌دهار زیر فشار و ستم وحشی در معرض تحقیر و تبعیض هستند. این جمعیت عظیم مرکب از نخبه‌ترین سیاسی مردان، متخصصین، هنرمندان و ادیبان و خادمان وطن، هر روز خود را با انتظاری رنجبار برای با یان گرفتن این رنج در اروپا یا با یان بافتن این شب تاریک با ال افتانده بیروطن سپری می‌کنند. برای آنان بازگشت به وطن آرزویی است که هر روز و هر روز شدید تر شعله ورمی کرده است. اما در بنا که دیوار بلند ارتجاع فقا هنی و شمشیر خونبار با سدا ران جهل و جنابیت همچنان آرزوی آتشین آنان برای بازگشت به میهن و اسکان در خانه بقیه در صفحه ۸

شهادت رفقای قهرمان خلیل هوشیاری

و ناصر عطایی در صفحه آخر

روزگارگر را گرامی بداریم در صفحه آخر

پیامدهای فتوای تروریستی خمینی در صفحه ۹

مساله افغانستان راه حل نظامی ندارد در صفحه ۹

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

یادنامه رفیق قهرمان رحیم اسداللهی تا به آخر با مردم و برای مردم

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رفیق رحیم اسداللهی انقلابی پسرانکه ، فرزند فداکار مردم ، اعدام شد

در ۸ اردیبهشت سال ۶۲ با زاداشتش کردند و در ۲۴ بهمن ماه ۶۷ سپته ای را آماج تیرهای خوفا اعدام شدند. اکنون طین دل عاشق او چون آوازی خا مویی نابدیردگوش جانمایان طینان سداز است و به ما در بیامودن راهی که آکاها نهودا و طلبانند برگزیده ایم شورواینها می بخشند. برای علی ، میزان همه چیز توده های مردم بودند. نگاه او همیشه در جستجوی خوشبختی و سعادت مردم بود. او با همین میزان و نگاه به جنسیت و ستواری های کوچک و بزرگ می رفت و راه غلبه بر آنها را می یافت. در سال ۵۶ ، وقتی توده های مردم ، سنگین و خیره کننده شروع به برخاستن کردند ، اندیشه های نوین سده ای در ذهن او و روشنی و وضوح نمایان تری پیدا کرد. حلقه مرکزی برای او و جگونیکی راه یافتن به میان مردم و توانایی کرده آوردن آنها به زبیر بر مردم را می بخش سا زمان بود. این چنین بود که علی در مقام نقاد می جریکی برآمد و نقدها را بیشتر از درونی آوردن سا زمان به متنی سازمان تگری جنبش توده ای بر عهده گرفت. او تمسزنده ایتاروفدا کاری در راه مردم بود. عاطفه ای سرنا ردا شد و صمیمیت و فرروشنی و می تکلف بودن او ، حتی در نخستین دیدارها آدم را با او یگانا می ساخت. سابقه فعالیت سیاسی علی به سالهای ۴۷ و ۴۸ برمی گردد. در زادگاهش شهر تبریز ، او نخستین آموزش های سیاسی خود را در ارتباط با رفیقین بهروروا رفغانی آغاز کرد. بعدا زفراغت آذربایجان وارد تبریزی هوا می شد و در سربلگ همافران در آمد. علی تا آخر سال ۵۳ به عنوان همافران در تبریزی هوایی باقی ماند. در سال ۵۲ ، به خاطر فعالیت های رفیقانه ای در تبریز و فعالیت های روشنگرانه اش در میان همافران مدتی در با زداشت به سر برد . سابقه فعالیت سیاسی او در میان همافران به او امکان داد که در سالهای ۵۶ و ۵۷ ، زمانی که جنبش همافران مبارز در آستانه انقلاب بهمن برآمد ، نقش سازمان تگراند موثری در آن ایفا کند. در حقیقت ، او حلقه ای از ارتباط سازمان با جنبش همافران مبارز در آستانه انقلاب بهمن بود. از سال ۵۴ علی بکسره به مبارزه مخفی رو آورد و در صفوف سازمان جا گرفت . او در سالهای دشوار ۵۵ و ۵۶ ، به مثلنا به یک رفیق توانمند درک صحیح سایل سیاسی ، در امر کار ترسووده ای و امکان سازی در خندید. علی طی این سالها که هر روزش با شادمانی و دستگیری رهبران و کار دهمسای سازمان همرا ه بود ، در شرایطی که سازمان در معرض تالانگری ساواک شاه قرار داشت و هر روز بر یکسگر آن زخمی تازه شانه می شد ، نقش بسیار موثری در حفظ موجودیت سازمان ایفا کرد. استقامت و سخت کوشی علی ، آمیخته با حساسیت و عطوفت انقلابی سرشارش ، توانست با هم حیات رژیم محوبانه سازمان مساعدت بسیار نمود . او هم برای رفقای بی که موفق به تکشستن حلقه مخا مگره خانهای تبعی می شدند ، کار می ساخت ، هم مبارزت به ایجا دهسته های کارگری در کارخانه ها و محلات زحمتکش نشین می کرد ، هم هسته های هوا دار را سازمان می داد و هدایتشان می کرد و هم با حسارت و دلاوری در عملیات جریکی شرکت می جست . شخصیت انقلابی و مردمی رفیق علی در ما هیای انقلاب بهمن و سالهای پس از بیستروزی انقلاب مردم اساسا با نقش او در تحکیم بیوند سدهای سازمان با کارگران و زحمتکشان توصیف کردنی است . او تبریز و تبریز و بلاندگی سازمان را در بر بیوند استوار و روجل نابدیریبا مردم جستجوی کرد و لحظه ای از تحکیم ارتباط و بیوند سا زمان با مردم زحمتکش غافل نبود . کار های ارزنده ای که علی در مقام مسئول کمیته ایالتی خوزستان درگسترن فعالیت های سازمان در میان نفتگران و محلات زحمتکش نشین خوزستان در سالهای پس از انقلاب صورت داد ، از این اعتقاد صیل ما به می گرفت . رفیق علی وقتی در اردیبهشت ۶۲ با زدا شد و به جنگه گاهای رژیم کمینیستی با گذشت ، خود را با دزخیمان می رو برودید که با خون مبارزان راه آزادی و بیروزی مردم وضومی ساختند و از نا له سدهای قربا نیا نشان در اتانی های شکنجه سروقی می آمدند . او در برابر این واقعیت تلخ تنه مهربانی می مانند . همان اصالت و نجاعت همیگی به صاف حلالدان برخاست و ا جازندند که دزخیمان سرکوه مردمی و انقلابی که با جان او سرتنه شده بود ، در تنه بیا بند. نزدیک ۶ سال ، با بیداری حماسی ، علیرغم

همه میهنان ! رژیم کمینیستی در ادا مه کشتار زندانهای سیاسی ، رفیق رحیم اسداللهی ، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، مسار ز باک با خندرا تنیکی و سعادت مردم را در صبح روز ۲۴ بهمن ماه ۱۳۶۷ به خوفا اعدام کردند . این جنایت کویایی با این نابذیری کینه حیوانی رژیم جمهوری اسلامی به مردم و مبارزان راه بیستروزی آن است . رحیم اسداللهی شخصیت انقلابی ثابت قدمی بود که در سال ۵۴ ، نزدیک به ۴ سال قبل از انقلاب بهمن ۵۷ ، از میان همافران مبارز ایران به صفوف فدائیان خلق پیوست . او طبعی عالیتهای ۵۵ و ۵۶ زمانی که سازمان ما در نتیجه تالان و بیوردی ساواک شاه ، هیات رهبری خود را از دست داده بود ، نقش بزرگی در جرات از موجودیت و یکپارچگی سازمان ایفا نمود . رفیق رحیم اسداللهی در ماههای قبل از انقلاب بهمن ، در جریان او جگریکی مسبب از زحمتکشان خانه تهرآن و نفتگران بالاندکساره تهران ، نقش بسیار نگرا نه نمرخشی بر عهده داشت . فعالیت های ایسی گذشته و در رابطه با جنبش همافران مبارز نیز از صفات درخشان کارنامه انقلابی وی به حساب می آید . رحیم اسداللهی بودایی جز عشق به مردم و نیکبختی و سعادت آنها در سرت داشت و در راه مردم و برای مردم انسان با کما خسته بود . شخصیت انسانی مردمی و انقلابی او ، پرورده زندگی و کار در میان مردم زحمتکش بود . او که خود از نوا ده ای زحمتکش برخاسته بود ، در مثلنا با لهایی فعالیت انقلابی خویش در راه اکسرتش و تحکیم بیوند سا زمان خود با کارگران و زحمتکشان لحظه ای از تلاش و فعالیت با زنا یستاد . بیوند عمیق او با زحمتکشان و درک زندانها از توده های مردم موجب گردید ، نقش بیستروزی در رو آوردن سا زمان به سنی سازمان تگری جنبش توده ها ایفا نماید . به خاطر علاقه و توجه ویژه

پادشاه و دان و راهش پر رهرو باد
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اسفندماه ۱۳۶۷

عصمت خانها و تمام زحمتکشان محل شهید شد . به آنها نگویند او همیشه به خاطر شما زندگی می کرد و حالا به خاطر شما کشته شده است .

علی در آخرین دیدارها شنی شکسته ورنجور اما جانی شسته و سطله ورداشت . می گویند تمام موهای سروصورت او سفید شده بود . رفیق کمیسر ، رحیم اسداللهی تا به آخر دستگر مردم ، با مردم ، و برای مردم زمزم می و هستی خود را به پای آرمانش گذاشت . پادشاه و دان راهش پر رهرو باد .

- بر یونانیان اشک مریز
- هنگامی که اندیشه شان می یابی
- بر یونانیان اشک مریز
- هنگامی که به زانو می آید
- کار در دستخوان و قش بر کردن
- بر یونانیان اشک مریز
- نگاه کن اینک اوست که خیز بر می دارد
- نگاه کن اوست که دیگری را خیز بر می دارد
- شها متش را بازمی یابد ، می غریود ، و درنده وحشی را
- به چنگک خورنید فرو می گوید .
- بانیس ریتسوس ، شاعر انقلابی یونان
- ار " ترانه های میهن تلخ "

مهاجرین باید آزادانه به کشور بازگردند

ببگرد و سرکوب سازمانهای سیاسی باید قطع شود

شکنده های جسمی و روحی توان سوز ، با دزخیمان دست و پیخته نرم کرده و سرانجام رفیق قهرمان ، صبا ، رفیق " علی جریک " بود که دزخیمان راه زانوسو در آورد . دزخیمان در مقام مدت اسارت او را آدمی توصیف می کردند که هنوز سر موضع خودش ایستاده است . آری رفیق علی سرر مواضع خود در دفاع از منافع مردم تا به آخر ایستاد . او از جمله کسانی بود که حیره روزانه هتلاق داشت . مقاومت و بیا بیداری او در زندان و در شکنده گاهای رژیم کمینیستی به سنی زندانیان سیاسی الهام می بخشید تا در برابر ددمش های حلالان خمینی با یادار و تسلیم نابدیر نای بمانند .

زین نابذیری او با جلادان و قداره بنندان خمینی حدود مرز نمی ساخت . جلادان به همه وسا یل برای در هم کشتن رفیق علی توسل جستند . اما او در مثلنا لحظت و علیرغم هرتفنندوسا لوسی وفادار به مردم و آرمان خود باقی ماند . شهرت دار دکه در یکی از بازجویی ها ، وقتی سربازجو از شدت عسارت نیت سر روی علی کلت کشید ، او با ریشخند سینه سرهنه خود را پیش آورد و عسره زد " اگر مردی هستی زن و پانگرمی توانی ، بد به من بسین ججوری می رزم .

در آخرین بازجویی ها به او گفتند ، " اگر به خواست ما ن گردن نگذاری مدت طولانی زندان نخواهی مانند او اعدام خواهی شد . " پاسخ علی چنین بود ، " مهم چگونگی زندگن کردن است نه جفد روزنده ماندن . من برای همه چیز آماده هستم . " و با لآخره آخرین کلام دزخیمان با او این بود : " صاحبه یسا اعدام و رفیق قهرمان ما ، هم تگونه که سست سازمان ما است ، به دزخیمان نه گفت و با سرگ سرخ از شرف و کوهرا انقلابی و مردمی خود و سازمانش دفاع کرد .

رفیق رحیم اسداللهی در آخرین دیدارها با ما در ره صحرود سخنانی سر زبان راند که طینین شکوهمندانه میهنه ما خواهد بود و به ما در بیگار امروز و فردا ایمان الهام خواهد بخشید . این آخرین کلام رفیق علی جریک است ، بخوانیم . بلندند اسنانا ده نجو : سم . " ما در چان . همسر مهربانم ، ممکن است مرا بکشند ، بداند که من س می خواهم را احسان بکنم ، اگر مرا کتشد ، به خاطر من لاس ساه بیوشید ، لاس فرورسوسد . من مردم محل کونند رحیم به خاطر

در باره برگزاری پنلوم اسفند ماه ۶۷

پنلوم کمیته مرکزی روز دوشنبه ۱۵ اسفند ماه ۶۷ با بزرگداشت خاطر خدا فیان خلق و دیگر مبارزانی که در فاطمه دینلوم هدفنا متقا جویبی رژیم خمینی قرا رگرفتند و به شهادت رسیدند، آغاز میگردد. پنلوم با تخیل و آفرینشها در رفقنا رحیم اسداللهی و مهدا لاهی اعضای کمیته مرکزی سازمان و محمدحسن دیانک شوری و حمید منتظ سوری، اعضای منا ور کمیته مرکزی وکا درهای فخریه... آن فدائی، همه فدائیان خلق ایران را به یاد آید سیرد در راه آرمان شریف و انسانی آنان قرا خواند.

پنلوم کمیته مرکزی طی یک هفته مسائلی را که در دستورکار خود داشت مورد بررسی قرار داد و در فضای سخنان از احساس مسئولیت نسبت به حفظ یکپارچگی رژیم جمهوری ما زمان در هر زمینه، تصمیمات مشخصی اتخاذ نمود. اهم مسائلی که در پنلوم اسفندماه کمیته مرکزی بررسی شد، عبارت است:

- ۱- بررسی گزارش هیات سیاسی دربارها و مساع سیاسی کشور و دستورالعمل ارتدقیق و انتتسار آن توسط هیات سیاسی
- ۲- بررسی وضع و چگونگی فعالیت گروه های سازمانی در داخل کشور و اشکال مناسب فعالیت سازمانها در شرایط فعلی.
- ۳- بررسی نتایج فعالیت کمیسیون برنا و اطبا ر نظیر برنامون آن.
- ۴- بررسی مسائل رویدادها و کنکروه و تحده سود رسیدگی به پیشینها دات ببرامون فوابط کنکروه.
- ۵- بررسی و تصویب برخی قرارها و قطعنامه ها

ببرامون جهات مختلف فعالیت سازمان. در بررسی گزارش اوضاع سیاسی کشور، پنلوم کمیته مرکزی بر اهمیت شعارهای تاکتیکی در تخریب کردن فعالیت سازمان در مبارزه علیه رژیم تأکید نمود. همچنین اهمیت اشکال فعالیت های علنی و نیمه علنی و قانونی در زمینه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و بهرگز بهیتر از آن ضروری نماند. پنلوم به هیات سیاسی وظیفه داد که صاحب مربوط به شعارهای تاکتیکی را دنبال کند.

در پنلوم اشکال سازماندهی و فعالیتات سروهایی فدایی در روند آتی مورد بحث قرار گرفت. پنلوم با تأیید و تشکر سازماندهی از به کار گرفتن الگوی واحد یادگذا احتجاب نمود اما مسئول تنوع رعایت کرد. پنلوم تأکید کرد که گروه های سازمانی از نظر تعداد فعالیت خود باید محدود باشند. پنلوم همچنین درجهت تخریب ساختن فعالیت های سازمانها به برنا به علمی و انقلابی را رشتند و راهی را به تصویب رساند.

یکی از موضوعات مهم پنلوم بررسی نتایج فعالیت کمیسیون برنا به وظایف نظرسبر ببرامون آن بود. پنلوم گزارشات کمیسیون برنا مراه مورد بررسی قرار داد و تلاش کمیسیون را ستای و تحمیرا زمان به برنا به علمی و انقلابی را مثبت ارزیابی کرد. پنلوم تصمیم گرفت که تصویب طرح برنا مه زمان جهت ارائه به کنکروه، به بعد از پیرونت بحث و اطبا ر نظر جاول برنا مراه در تشکیلات موکل کرد. پنلوم موافقت کرد که مستقیم مبعوات کمیسیون برنا مه وقتا پیشینها دهای واجله به کمیسیون در سطح جنسی انتتار باشد.

موضوع مهم دیگری که در دستورکار پنلوم قرار داشت، نحوه رسیدگی به انتتفا دها و پیشینها دهای برخی از اعضای سازمان ببرامون معیارهای

اساسی تعیین نهادینکان کنکروه و قطعیت بخشیدن به فوابط کنکروه بود. پنلوم نظریه و جود پیشینها دهای گوناگون در این زمینه، تصمیم گرفت که جهت منا رکت منا تر همه نیروهای سازمان، تصمیمات پنلومهای مهر ۶۶ و شهریور ۶۷ در سارمه این معیارها به بحث گذاشته شود. علاوه بر آن تصمیم گرفت که مجمع بزرگی با حق رای قطعی جهت تصمیم گیری نهایی در زمینه های زیر اقرار خواند:

- بررسی پیشینها دها حول معیارهای اساسی کنکروه و تصمیم گیری قطعی در باره آنها.
- پیشینها دکمیته مرکزی (با هیات سیاسی) در زمینه محدود زمان کنکروه.
- پیشینها دکمیته مرکزی در باره دستورکار کنکروه.

پنلوم کمیته مرکزی برخی قرارها و قطعنامه ها ببرامون جهات مختلف سازمان را به تصویب رساند و به هیات سیاسی ما موریت داد که سار برقرارهای پیشینها دها را بررسی کند و تصمیمات لازم را اتخاذ نماید.

پنلوم بررسی گزارشات کمیسیون اسانما مه و اطلاحات و ارده در طرح اسانما مه توسط کمیسیون را به پنلوم آتی کمیته مرکزی محول کرد. پنلوم کمیته مرکزی دربارها و اطلاحات خود، هیات سیاسی، هیات دبیران و دبیرا ول کمیته مرکزی را برگزید.

پنلوم کمیته مرکزی با ابراز مسئولیت همه اعضای کمیته مرکزی در حفظ و تحکیم و جود وحدت و رزمندگی سازمان در ۲۱ اسفندماه ۱۳۶۷ به کار خود پایان داد.

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت اسفندماه ۶۷

رأیا و وضعیت فوق العاده بیفرنج روبرومی بیند، این وضعیت به ویژه پس از آنکه خمینی ناگزیر شد سرنگ آتش بس را سرکشد، تشدید شده و مهمترین مشخصه آن تبعات ناشی از شکست سیاست جنگی رژیم، یعنی آسیب پذیری بی سابقه مواضع پیروان خمینی در برابر منطق مردم و افشاش فکری و اختلال در جبهه حزب الله است. شکست های فاجعنا با رژیم عرصه های مختلف، فلکات اقتصادی، گمشداری نارغابی توده های، غیر قابل توجیه بودن مواضع متفاد خمینی برای پیروانش و با لافز تشدید سردرگمی و پلانت کلیفی حزب الله در جریان ستنیز سیاست های جناح های مختلف حکومتی پس از آتش بس، تجزیه در صفوف حزب الله و اختلال در مواضع آنها را ادا من زد.

تجزیه در این نیروها با انگیزه ها و کرایش های متفا وتی صورت می گیرد. از موضع با بیندی به آما رخواهی بنیا دگرا یا نه گرفته تا کرایش به تجدید نظر در سیاست، بدیلما سی، اصول، در حوزه های علمی، در میان طلاب و مدرسین با حاشی جون قلمبندی و فقه به اصطلاح بویسا و احتیاطی، از طعه دین، احکامت و سیاست و حاشی مساله مشروعیت و با عدم مشروعیت نظام ولایت فقیه به طرحدی مطرح است و این مساحتات از جدی بحث و جدل فرا تر شده و موضوع اختلاف وصف بیندی در میان روحانیون پیرو خمینی شده است. خمینی برای خاموش کردن این صداها و جلوگیری از اشتقاق درمف، روحانیون را خود شدیدترین حملات را متوجه "اسلام آمریکا"، شریعتمداری، "روحانی نماها" و "احتیاطی ها" کرد. او در بیان نسبت به خطی که می گوید "دین از سیاست جداست" هتاد را دوگفت: "این شعار در حوزه علمیه کارگر شده است... باید توجه داشت که این متن در خطاب جوان نفوذ نکند". او متذکر شد که اظهار طعن ها و کنا به ها نسبت به مشروعیت نظام "کار روحانیون طرفدار اسلام با محمدی نیست، بلکه کار روحانی نماهای طرفدار اسلام آمریکا است. نگرانی اصلی خمینی نیاز به اصطلاح اسلام آمریکایی بلکه از مباحثات تند است که در بین روحانیون طرفدار او در جریان است و تا حدتعارض بیش رفته است. خمینی در این رابطه هتاد را می دهد: "من هیچگاه نگران مباحثات تند طلبگی در فرسوع و امول فقه نبوده ام ولی نگران تقابل و تعارض جناح های مومن به انقلاب... اگر خدای نکور و این نیروها شکست شوند چه نیرویی جای آنها را خواهد گرفت". نتیجه می گردید که اولین وظیفه روحانیون آن است که آنها را دو یکبار رگی خطاب و روحانیت انقلابی حفظ شود و گرنه شب تاریک در پیش است و بیسموچ و گردا بی چنین ها ثل.

خمینی شرط گذار از "شب تاریک و گرداب ها ثل" را این می دانده که اولاً، آخوندهای جبهه حزب الله متنفذ، سونود به روی یکدیگر شمشیر کشند. ثانیاً، در آراء رکنور مسئولیت بیشتر بگیرند و به جای ندرس حوزه های، از گرفتاری مسئولیت دولتی خارج در دستگاه قضایی خودداری نوزند؛ در همین رابطه از اینکه "در اول انقلاب بقیه در صفا ۸

نبرو مندند هر که از خمینی برای ایدن و گوشه ای برای نشیندن اار د منا ثری می کند. شنیا آخوندهای سالوس و نیکیاری جون خمینی هستند که همچنان با لجاجتی جنون آمیز سارها را سفید، شکست را بجزوری، مصیبت را برکت و فلاکت را سعادت می نما بندند. توده نیروهای طرفدار خمینی به عینه می بینند که وضعیت به گونه ای نیست که طلبی به تصویب می کند. آنها که آما رخواهی جون تومل نبود عدالت اسلامی در جریان انقلاب به محدثا آیدند و از سرنگونی شاه و استقرار جمهوری اسلامی، امید رفع نسیخی ها و اقتصادی، تعدیل شکاف های اجتماعی، قطع وابستگی به غرب و نامین استقلال آزادی را داشتند، پس از دهسال حا کمیت خمینی به سلخی دربار نشه و درمی با بندگانه دهقان به زمیسن رسید، نه قانون کاری تصویب شد، نه دسترس برما به داران و کلان تجار از هستی مردم گونا بند و نه کنا بینی در وضعیت اقتصادی کار همه و کشور بدید و آمد برعکس، اوضاع درهمه عرصه ها، از اقتصاد گرفته تا فرهنگ، به نحو غیر قابل انکساری افسانگیر تر شد. به شنیا آما رها، بلکه سیاست دنا وردهای انقلاب نیز یکی پس از دیگری زبا، شدند. این نیروها رفته رفته احساس کرده می کنند که دهسال در این سراب بوده اند، احساس می کنند که امیدواریا ننان به بازی گرفته شده و حاصل از خودگذشتگی ها و فداکاری ها برآور تریدن زالوها و مستکبران بوده است. این نیروها احساس می کنند که مقنون شده اند. در این نیرو رفته رفته تردید نسبت به اورها و شعارهای رسمی و رایج، تضعیف انگیزه "در صحنه بودن"، احساس انفصال و برهیزار آلودگی نسبت به نیروها حتی تقابل و انتقام جویی نسبت به آنچه که به دروغ باوردا شده است، شکل می گیرد. هراس و اضطراب خمینی نیز از همین است. خمینی در بیان من به این نکته عتساراف می کند: "تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی چیزی به دست نیا ورده و با نا موفق بوده است، آیا جز به سستی نظام مصلبات عتفا د مردم منتظی می می شود؟" بدیهی است که جز این نیست، خمینی که برای ارتکاب و توجیه هر جناییتی ط این دهسال به "امت حرب الله در صحنه" مندی بوده است، طبیعی است که نمی تواند تا هدی خیال رنگ باختن و فریادیند انکیزه های آن باشد.

خمینی برای حفظ "امت حرب الله" با هزار قسم و آیه به متضعفان "اطمینان می دهد که: "علماي الاصلاحی که بر سر ما به داران و پیسول - برنا من و خوانین رفته اند... دست روحانیت با سرما به داران در یک کاسه نیست. روحانیت متعبد به خون سرما به داران را الوصیت تشنه است و هرگز با آنها سر آشنی ندا شته و سخا هتاد است! اودر نوبه این دروغزنی و فحنا به وحشت انکیز می گوید که: "تا بند در اطبا ر نظرها و ابراز عقیده ها به سبه کودمی غلط عمل کنیم که حزب الله عزرا احساس کند که جمهوری اسلامی از مواضع اش عدول کسر شده است!"

هراس خمینی... بقیه از صفا اول تشخصی صلیحت سروریز کرد و در و رای آن قرار گرفت، به نحوی که چند ما بعد، این مجمع عملا موضوعیت خود را از دست داد. آنگاه خمینی دربارها که "کنکروه" "منورورا دری" پیور شد، تلویحا وجود جناح های مختلف حکومتی را پذیرفت و تلوی اختلافات بنیه گونه ای را دانه گرفت که او سارنا جاما کز بر سر ندر پیام ۳ اسفند خو: به روحانیون، با اعلام اینکه "من همه جناح های فرزند خود می دانم، مشروعیت با نداها و جناح های حکومتی را نیز بدیدر. اما همچنان نگه گفتیم، سالها امروز خمینی شنیا بدیرین مشروعیت جناح های حکومتی نیست بلکه احساس خطر از شکل گیری اختلافات و تعارضات در عرصه های بنیادی تری است. منتظ سوری در سخنرانی ۲۲ بپین خود برای اعنا سیه، سبج، خاوندان نهاد... درم، ارزیابی از کارنا مه ده ساله جمهوری اسلامی ارائه داد که شاخص اهمیت است. او تصریح کرد که "انقلاب در اصول و اهداف خود موفق نبوده است. او در سخنان شریکات و مسائلی انگشت گذاشت که مدتها است ذهنیت بخش گشیری از نیروهای پیرو خمینی را به تحده سود آزاردهنده ای به خود مشغول داشته است. منتظی در سخنان ش به افت شدید روحیه مبارزانه، از دست رفتن جوانان کشور و ساربا در رفتن امکانات و منابع اقتصادی در دهسال حا کمیت جمهوری اسلامی، اشاره کرد و طو خواستار بررسی این بدیده شد. او سیاست رژیم را در مورد جنگ و نیز شعارها و سیاست های دیگر صریحا مورد انتقاد قرار داد و گفت: "آیا ما جنگ را خوب طی کردیم یا نه؟ دشمنان ما که این جنگ را تحمیل کردند آنها پیروز از کسار در آمدند... با یاد اینها بررسی شود... حقدردن این مدت شعارهای دادیم که غلط بوده و خیالی از آنها ما را در دنیا منزوی کرد. مردم دنیا را به ما بدبین کرده و هیچ لزومی هم برای این شعارها ندا شتم. گفتیم همین است که ما می گوئیم. بعد هم فهمیدیم که اشتباه کرده ایم. باید بفهمیم که اشتباه کرده ایم."

این ارزیابی از بیلان ده ساله جمهوری اسلامی و این تفاوتها از مهمترین شعارها، سیاست ها و عملکردهای رژیم خمینی، اهمیتت تنها در این نیست که منتظی آن را گفته است. منتظی می ممکن است برایین قضاوت با فشاری کند، آنسرا تعدیل کند و طو حتی آن را اساسی نگردد، مساله مهم این است که این ارزیابی ها بیش از آن که از آن منتظی با شد با قلمبه راه وجود او و امثال او باشد، انکسار روانشناسی و قضاوت توده وسیعی از نیروهای پیرو جمهوری اسلامی است. و این خود تنها انکسار سیسار کم رنگ و ناقص از ذهنیت توده مردمی است که تقریبا نیان اصلی سیاست های جنگ طلبانه، سرکوبگری و ولایت فقیه بوده اند. توده نیروهای پیرو خمینی نیز جبهه سخا هتاده نخواهند با کنوری جنگ زده، اقتصادی و بران واردی صمیمت دیده و اشتبا دگر سبده مواجهند و واقعیت های عینی آنچنان نا فاسد و

گزارش سیاسی پلنوم کمیته مرکزی

پیرامون اوضاع سیاسی کشور

هرچند از زمان تشکیل پلنوم شهرپور... ۶۷ مدت زمان زیادی نگذشته است، اما طی این مدت تغییر و تحولات مهمی در کشور روی داده که بررسی حیات عمده آن جا بجا اهمیت است.

مهمترین واقعیه میان دو پلنوم، فاجعه هولناک و تشکیک ران قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی است. چنین تشکیک ران در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است. هزاران نفر از فرزندان مبارزمردمان ایران به خاطر مبارزه در راه اهداف ترقی خواهانه و مردمی و دفاع از آرمان های انسانی به فجع ترین و فحش قتل عام شدند. بهر سبب اساسی اطلاعات جمع آوری شده توسط سازمان تاکنون آسامی ۷۰۰ نفر از شهیدان و اعدام های اخیر مشخص شده است. در میان اعدام شدگان عده ای از اعضای کمیته مرکزی سازمان، رفقا رحیم سادات الهی و صداملای اعضای کمیته مرکزی و قهرمانان بزرگ مقاومت، رفیق قهرمان و برجسته محمدمحییین دباینگ شوری و رفیق فداکار حمید منتظری اعضای مشاوره کمیته مرکزی، رفیق بیکار جو، حسن دشت آرا، کاربرسته شرکت کننده در پلنوم و سایر فروردین ۶۵ و بیش از ۸۰ نفر از بهترین کارمندان و فعالین سازمان ما قرار دارند. بسیاری از همسران و کارمندان و فعالین پراکنده حزب سوده ایران، عده ای از رهبران و کارمندان سازمان فدائیان خلق ایران (پیروپایانه ۱۶ آذر)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمان چریک های فدایی خلق، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان زمینگشان کردستان (کومله) و بسیاری از کارمندان و اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و حتی تعدادی از روحانیون و وابستگان به خود رژیم از جمله قربانیان تشکیک ران فاشیستی اخیر هستند.

جنايتكاران حاكم برايران شكاركشيري از زندانيان سياسي کشور را، چه آنها که محکوم نشده بودند، و چه آنها که به بیجا دگا راه نیاخته بودند، چه کسانی که مدت محکومیتشان با بیان یافته بود چه کسانی که تاقی اسیر شده بودند از دم تیغ گذرانند. این تشکیک ران همچنان ادامه دارد. کشتار و سرکوب به میزان در دسترس خلاصه نمی شود، همه ادجا معاصران زیر سر نیزه رژیم به جان آمده اند. اکنون همه پرسندگان رژیم از دست زدن به جنایت هولناک قتل عام زندانیان سیاسی کدام اهداف را دنبال می کند؟ به اعتقاد ما دلیل قتل عام زندانیان سیاسی روشن است. رژیم همواره در تلاش بوده جنبش مردمی است و بر همین بستند مدتها در زندان را نیز به مثابه یک بخش جدی و فعال و تشدید کننده جنبش به خون کشید. قتل عام زندانیان، هم با هدف سرکوب نهان جنبش در زندان ها و هم با هدف وارد کردن ضربت به کل جنبش دمکراتیک و انقلابی و مرعوب کردن سازمان های سیاسی صورت گرفت. تشدید بحران در هیات حاکمه پس از قطع جونت و تکرانی های ناشی از وخامت اوضاع جامعه می تواند عامل تحریک رژیم به این قتل عام در مقطع زمانی کنونی باشد. وسعت جنایت و کشتار اخیر در حدی بوده که بعضی از نزدیکان حکومت نیز از آن مومن نمادند و این امر اعتراضاتی را برانگیخت.

رژیم آزادی کش ولایت فقیه که سالیهای زیادی به بهانه جنگ، استبداد دقرون وسطایی خود را حتی به زندگی فردی و خصوصی مردم میهن ما مسلط کرده و استبدادی ترین حقوق و آزادی های آنها را لگدمال می کند، حال بهر حال قدر نیست به این وضع ادا مدهد. رژیم ولایت فقیه بیش از پیش به تقابل با مردم کشیده می شود.

پس از توقف جنگ، رژیم برای بازسازی کشور، و مقابله با فلج اقتصادی به وسیله گسترده امکانات اقتصادی مالی و انسانی نیازمند است. لازم است امر جلب و جذب نیروی انسانی متخصص و کارآست، ایجاد اعتماد و اطمینان نسبت به رژیم و ترسیم وضع سیاسی با ثبات در اذهان را می طلبد. برخی از سران حکومت می کوشند چهره را بی کنند و در راه طبعی از تحمیل های ارتجاعی خود با هدف تشکیک ران را نشانوار و لایحه ای اجتماعی معین دست به ما نوربزنند.

در درون حکومت نیز نیروهای هستند که برای حفظ موقعیت خود، با بازگشت میلیون ها ایرانی که در آن و متخصص به کشور مخالفند و در این راه سنگ اندازی می کنند. سخنان اخیر خمینی مبنی بر اینکه بازگشت آنها نیا بدطوری باشد که از "انقلاب طلبکار باشد" و "حزب الله عزیز منزوی گردد"، از این مساله سرچشمه می گیرد.

بعضی از مقامات حکومتی به این نتیجه رسیده اند که ضروری است تا برای فراهم نمودن زمینه مناسب مورد نظر سرما به داران، به خاطر متقا عد کردن آنها به فعالیت های اقتصادی همه جا نبهتر، در موردی قوانین و روش های حکومتی خود را تعدیل کنند، آنها را تا حدودی در تصمیم گیری ها دخالت دهند، و بعضی از مواضع فقهی قوانونی را از سرها نشان بردارند، و در مسأله انطباق رژیم ولایت فقیه با الزامات نظام سرمایه داری پیش روند. بسیاری از افسران بورژوازی نزدیک به رژیم خواهان چنین تعدیل هایی هستند حتی امکان زمینه برداری آنها را نظرو تا تشکیک ران نشان دادند. سیاست گذاری ها، برنا مریزی ها و اقدامات اقتصادی و اجتماعی رژیم فراهم گردد.

درگیری جناح ها و دسته های درون حکومت و اظهار نظرهای متفاوت و اغلب به شدت ضدونقیصی آنها پیرامون ضرورت اصلاحات در قانون اساسی، درک از "ولایت" و تعریف مختصاتی فقیه، تعدد مراکز تصمیم گیری و قدرت، بازنگری در سیاست های داخلی و خارجی و غیره... از این زاویه قابل توضیح است.

رژیم بی ابوری جمهوری اسلامی در حالی که مشغول بی سابقه ترین وحشتناک ترین جنایات علیه مردم است، سخن از "آزادی فعالیت احزاب" به میان آورده است. هنگامی که حتی نزدیکان منتقدان و آخوندهای وابسته به هیات حاکمه اعدام می شوند، سخن از آزادی فعالیت احزاب سیاسی، سخنی گزاف است. اجازه فعالیت به احزاب اسلامی، در شرایطی که سبیل خون در زندان های رژیم جاری است، در رابطه با جنگ قدرت در هیات حاکمه و شرکت دادن طیف وسیع تری از اقلیت بورژوازی در حیات سیاسی و اقتصادی جامعه است.

تردید نیست که برای دست اندرکاران، منظور از "فعالیت احزاب و گروه های سیاسی"، پذیرش و رسمیت یافتن حق انتقاد و اظهار نظر جناح های درون حکومت است، و حدا کثر برخورد نیروهای مذهبی مرتبط با رژیم و یکی دو گروه بی اثر اسلامی با هدف دستاویز قرار دادن آنها در جهت تبلیغ "آزادی احزاب" را در بر می گیرد. ما هیات دمکراتیک و مردمی رژیم جمهوری اسلامی در مجموع با فعالیت گروه و دسته و حتی محفلی که در آگاه گرداندن توده ها دخیل بوده و بدون "بیعت با امام" و در "مسیر عا م ولایت فقیه" لب به انتقاد بگشاید، سازگار نیست. چه ژراتی ها و مانورهای رژیم در این زمینه متاثر از وضع نیروهای است که در درون رژیم موقعیت خود را در برابر جناح حاکم، در ما طره می بینند. به علاوه بعضی از سران حکومت می کوشند تا با چنین مانورهای موقعیت رژیم را تحکیم کنند، زیرا اکنون آزادی مبرمترین و موثرترین شعار جنبش اعتراضی علیه رژیم ولایت فقیه است. اوضاع بحرانی جامعه و نا رضایتی عمومی و روی گسترش توده های از تحمیل های ارتجاعی مذهبی، جنگ قدرت در حکومت پیرامون سیاست گذاری و تصمیم گیری کل رژیم در مهم ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور، و ما هیات دمکراتیک و استبدادی رژیم ولایت فقیه که اساسا از سیاست دین و دستگا ه روحانیت بر حکومت سرچشمه می گیرد، از عوامل مهمی هستند که دسته ها و جناح های درون حکومت را درک حق انتقاد و بیان نظر آنتشان در رابطه با سیاست ها و اقدامات یکدیگر کماکان درگیر خواهد ساخت.

شتا بگیری درگیری ها و تفرقه های درون حکومتی

برای بررسی همه جا نبهت تر بحران حکومتی بهتر است، روند های طی شده از زمان انتخابات مجلس سومتا هنگام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط سران جمهوری اسلامی را اشاره و مرور کنیم. این امر به ما کمک خواهد کرد تا تفرقه های درونی هیات حاکمه در حال حاضر را دقیق تر بشناسیم. از مدت ها قبل متاثر از انتخابات مجلس سوم جناح موسوم به راست و جناح رفسنجانی - دولت در مقابل هم صف آرای کرده بودند و عناصر موثر رژیم هر کدام از یک طرف پشتیبانی می کردند. در زمان انتخابات با مجلس سوم، جناح آخبر که دست بالا را در حکومت داشت، با حمایت خمینی و بهره گیری از نقش ویژه وزارت کشور تز "مجلس یکدست" را پیش برد و رسالت را عبق راند. مضمون اصلی اختلافات این دو جریان در آن هنگام همان اختلاف قدیمی بر سر حدود اختلاط ولایت و نقش بخش خصوصی در اقتصاد

بود، که در آن هنگام با شعارهای انتخابی - جریانی جدا شده از "روحانیت مبارز تهران" مزین شده بود که "با زکشت به موا عیاد و لیدان نقیصه" را مطرح می ساخت.

آندکی پس از آغاز کار مجلس، هنگامی که زمان شکارهای انتخابی با بیان گرفت و هریک از نمایندگان در سر جای اصلی خود قرار گرفتند آرایش نیروها در مجلس خصوصا زیر تاشیرما سیل مربوط به جان نشینی خمینی و پذیرش آتش بس گونا های دیگر شد.

رفسنجانی با حمایت خمینی وظیفه خاص جنگ را به عهده گرفت و جمهوری اسلامی در میان بهت وحیرت هوا داران خود، در ما زده از ادا جنگ و زیر فشار رتوده ای، در ضعیف ترین موضع آتش بس را پذیرفت. تقویت موقع و موضع رفسنجانی از سوی خمینی و با حمایت خا منهای بتضعیف موقعیت آیت الله منتظری که از ادا جنگ و درگیری با امریکا سخن می گفت، همرا ه بود.

جدیدی قرارداد داد. مساله طروق و چگونگی بازسازی اقتصاد ایران شده کشور و ترسیم خرابی ها و مشتناک ناشی از جنگ هشت ساله، به عنوان عمده ترین مساله در مقابله با رژیم قرار گرفت. شرایط و اوضاع و احوال جدید پس از جنگ، رژیم برای بازنگری در سیاست ها و گذشته تحت فشار می داد. قبل از این همه جناح های حکومت بر ادا جنگ تا کیدنا شد و ما پیرما سیل را نسبت به آن فرعی می شمردند. در آن هنگام برای جمهوری اسلامی مور اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی کشور عمده در خدمت جنگ بود با فکر ادا جنگ و مصالح سیاسی و تدا رکا تی آن رژیم می خورد، اما قطع جنگ تغییر در این سیاست الزامی گردید. سیاست گذاری و تعیین سمت گیری های جدید، توجه به آرایش نیروهای درون حکومت، تشدید تفرقه ها و درگیری های جناح ها و تغییر در ما سیل این درگیری ها را به همرا ه داشت.

مساله بازسازی کشور و به طور کلی سیاست های اقتصادی رژیم و به تبع آن سیاست خارجی و در واقع چگونگی رابطه با غرب، در حاکم از شاخص ترین ماین تفرقه های درون حکومت هستند. در این چهار چوب درگیری و اختلاف در رابطه با نقش دولت و بخش خصوصی، مسایل مربوط به اختار حکومتی، نوع برخورد با مردم فعالیت های سیاسی و اجتماعی هم به طور حا دی چشم می خورد. جنگ قدرت بر سر قبضه هر محکومتی نیز به طور شدیدتری مطرح است.

در میان جناح های درون حکومت بر سه مسایل مطرح شده اکنون دوگرایش عمده ما هستند. تکیون تا یافته چشمی خود را که هر یک از آنها طیفی از نیروها را با خود همرا ه دارند.

شاخص ترین چهره یک جریان رفسنجانی است که در حال حاضر با خا منهای منافع و زیمن مشترکی یافته و زحامت بخش بزرگی از مقابله با طرازا ول رژیم برخوردار است. این جریان در مجموع راه حفظ رژیم و با سخویی به مشکلا ن اقتصادی کشور را، رفیع هر تاسو محدودیتی در برابر سرما په داران بزرگ، اجراء سیاست اقتصادی "درهای باز" و گسترش و به بهو رابطه با غرب می جوید.

رفسنجانی و دارو دستا و تلاش می کنند تا قبل از برگ خمینی سمت و سیاست رژیم را قطع کنند، قدرت خود را تحکیم و خریفان را از زمینها در کنند. در حال حاضر آنها خواهان اصلاحات تسی د قانون اساسی به ویژه افزایش قدرت رئیس جمهور - که رفسنجانی خود را برای تضا حبا این پستو آماده کرده است - هستند. حمایت این جریان از تفسیر جدید و مطلق وضع سیاسی فعلی خمینی مشخضات ولی فقیه در "منشور برادر ی، که به صلاحیت سیاسی و اجتماعی فقیه و صلاحیت اطرافیان نزدیکان و تا کید کرد، و در واقع منتظری را مور خطاب قرار داد، از مهمی با یقه قابل بررسی است.

با در رفسنجانی که در تضعیف موقعیت منتظری تلاش می کند، در پیشبرد این مشی کوشید تا با راهای تعدیل های عوام فریبانه برخی از قیودات و تحمیلات رژیم ولایت فقیه حلقه های موثر بوروکراسی و نیروهای مسلح را به خود همرا ه سازد و حیات برخی از اقلیت رولایه ها اجتماعی را جلب کند.

جریان مهم دیگر حکومت هر چند به انداز زهدسه اول انسجام ندارد، ولی دارای سمت و نظرات که بیش یکسان است. عمده ترین مساله مشل مسال منازعه درون حکومت است. حلقه های اصلی تشکیل دهنده این جریان که مجموعا تا چندی پیاده جزو متحدین رفسنجانی در مقابل بله با رسالت و حدودی رئیس جمهور بودند، امروز از رفسنجانی مساله گرفته و در عمل در اکثر موارد با او همرا ه

نمی‌کنند. شاخص‌ترین چهره‌های این جریان را موسوی نخست وزیر کمپنی، محسنی و زیرک‌نژاد و خوشی‌ها دانسان کل تشکیل می‌دهند. این جریان می‌کوشد حمایت آیت‌الله خمینی و منتظری را جلب کند. این طیف‌ها در مقابل‌ها جریان مسلط، علیرغم بی‌سرنامگی و درک‌های نامفهوم، به‌سراپا و حرف‌های نظیر "کلیه برنام‌ها و امکانات داخلی"، مخالفت با سیاست اقتصادی "درهای باز"، مخالفت با "بازکردن دروازه‌های کشور بر روی سرمایه" و "خارجی و اظهار مخالفت با تجدید رأی بطلب آمریکا"، توسل جست‌وجوی آنها ما نوری کنند. بخش مهمی از این جریان همچنان بر نقش بیشتر دولت در اقتصاد و کنترل بازگشتی خارجی توسط آن تأکید دارد.

جریان مورد بحث به‌علاوه بر تشکیل مجامع و شوراهای کارگزاران‌ها، قانونی راه دور می‌زند و بر مصلوب‌الاجتبار شدن دولت" انتقاد می‌کند، و بر ضرورت تعیین حدود اختیار رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، تنگنای کارنامه، اجرای قانون اساسی و... تأکید می‌نماید.

طی ماه‌های اخیر آیت‌الله منتظری به‌سبب طرح انتقاداتی از مسئولان حکومتی برده است و آنان را به طور علنی تری از راه ضرورت اجسرای قانون و اظهار نظر آزادانه جناح‌های حکومتی مورد خطاب قرار داد. منتظری با تأکید بر اینکه در "سیاست تصمیم‌گیری‌ها و اجرا و سیاست‌های کنونی" ندارد "تلاش می‌کند تا از مسئولیت اقدامات و نتایج‌های رژیم‌ها نجات‌بخش کند. او اظهار کرده که "آزادی بیان و اظهار نظر در چارچوب اسلام و انقلاب" و مصالح کشور حق طبیعی و قانونی هر فرد، هر حزب و هر جناحی است. اومی گوید "قانون اساسی با سبب محور کارها و برپا شدن کشور قرار گیرد". سخنان او به‌مناسبت دهمین سالگرد انقلاب در آنرا به‌سبب کارنامه منفی جمهوری اسلامی و فاصله‌ها را به‌سبب عمومی مردم از رژیم، اعتراضی افشاکننده بود. این ارزیابی خشم‌آمیزی را بر آن‌ها تحقیر و در بی‌سازگاری اخبار و به‌سبب سبب کشور، سبب‌ها مورد انتقاد قرار گرفت و محکم‌مناسبت‌ها شد.

اظهارات و اقدامات اخیر منتظری را طیف به‌اعتمادی که بسیاری از عناصر ناراضی وابسته به رژیم در برهمن حکومت‌ها می‌دانند، داشتند. این تغییرات به‌طور مشخص در برخی موارد هم‌اکنون می‌توان دید. نیز میان عناصر دولت با او به چشم می‌خورد. روندی که در زمینه موقعیت و روابط آیت‌الله منتظری با سایر عوامل رژیم طی می‌شود هم‌اکنون در طیف مردم‌آزادین رژیم با حمایت و رفتن بسیار زیر نظر گرفته شده است. این اختلاف روند تندید را طی کرده است. به نظر ما این اختلافات در آینده قطعا" تشدید خواهد شد.

انتشار نامه سرگشاده منتظری طی ماه‌های اخیر که در آن دست‌اندرکاران رژیم در سبب‌ها شری بودن اقدام‌ها، و نحوه محاکمات و عدم آزادی که قبلا محکوم‌شده بودند، مورد پرسش واقع شده‌اند. همین احساس خطر بیشتر او از روندی که در حکومت طی می‌شود. او می‌بیند که به نیروهای معینی یوزمه تحت سلطه رفسنجانی نام امکانات خود را برای قلع و قمع دیگران بکار می‌گیرند.

منتظری با انتقاد و اظهار خرسندی از برخی از اقدامات رژیم اسلامی می‌کوشد با رفسنجانی خط و مرز بکشد و برای از دور سیمای رژیم مورد نظرش بی‌ارجمندی، عیب‌ها را بگوید. او عسکری و نیز آنرا در حال گسترش مردم‌پران از رژیم سرکوبگر ولایت فقیه و حمایت آنها از هر تندی مخالف، منتظری را و او می‌داند که در برابر قدرت با رفسنجانی وضع موجود خود را در نظر بگیرد. این اظهارات به‌نوبه خود بر تاشیرونیفودا و در بدنه حکومت و در بین نیروهای حاشیه رژیم می‌افزاید.

در باره جریان موسوم به رسالت با بدگفت، گرچه این جناح وزن و نفوذ سابق خود را ندارد، اما همچنان یک نیروی متشکل و جدی در صفوف حکومت است. رسالت در لحظه کنونی خواست‌های خود را در عمده‌ترین وجوه از جمله در برخورد با دولت به‌موضع رفسنجانی و خاتمه‌ای نزدیک احساس می‌کند. این جریان در حال حاضر فلاح می‌بیند تا نظرسراوات خواست‌های خویش را از طریق رفسنجانی و خاتمه‌ای پیش برد. در این دور امکانات و نیروهای رسالت در پیش‌کارگزاران و نهادها، حکومتی از جمله مجلس، در خدمت تقویت رفسنجانی و خاتمه‌ای و تضعیف مخالفین آنها قرار داشت.

خمینی گمان می‌کند که رسالت با ما نوره‌های بارگیا را نه‌یوزمه خود مانع از گسیختگی شیروان‌ها امور گردد. اما نهادهای دسته‌های درون حکومت به‌جدا جداست که هر جناح با تمایل و خواست خود سخنان خمینی را تعبیر و تفسیر می‌کند و نتایج مورد پسند خود را آن استخراج می‌نماید. رفسنجانی و مواضع ضد رفسنجانی خمینی با اعتقاد شده که میران حرف شنوی بیرونی از او گواهی می‌دهد. این امر به

نوبه خود بر نهادهای دسته‌های درون حکومت موثر بوده و سرشت آن خواهد افزود.

شدت گیری درگیری‌های درون حکومتی و افواج با سازمان اقتصادی و اجتماع کشتی‌ساز، خمینی را واداشت تا طی پیام اخیر خود به‌روا نشیون کشور به‌جناح‌ها و دسته‌های حکومتی نسبت به سرنوشت رژیم‌ها بدهد. او همه‌پیراوش را به‌سبب آنجا که در زیر چوچه دولت نمود و از بی‌ارگانه خط "آسی ناپذیر" دارند مورد سرزنش قرار داد. پیام خمینی حاکی از احساس خطروی آنرا و افواج نا‌بمان کسوروی اعتباری وی نسبت به سبب عملکردها و سیاست‌های نزدیکان است. عدم موفقیت رفسنجانی در جای‌های مشکلاتی که رژیم‌ها آنها در کسور است، علیرغم حمایت همه‌جانبه خمینی از وی و بی‌سرنامگی رژیم‌ها در ایجاد اختلافات و مشکلات مردم، خمینی را سرا سبب‌گرفته است. او به‌طور آشکار رسمی سیاست همه‌جناح‌های درون حکومت را مورد حمله قرار داده و در گردن او تلاش نمود تا بسبب برانگیختن احساسات مذهبی بیروانی، موقعیت خود را تقویت کند. او هیچ‌سرنامه‌یوستی را مطرح نگردا و توسل به شعارهای عوام‌فریبانه که سبب از ترفند و تجزیه قدرت جلوگیری کند و رژیم را حفظ و تنگنایند. افزایش بی‌حیثیتی و گسترش عدم اعتماد مردم نسبت به روحانیان، که به دلیل کارها به‌مناسبت با آنها، گسترش انتقادات و اعتراضات و تنگنایند رژیم و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، خمینی را واداشت تا به‌دفعه از روحانیان برودا و افواج نا‌بمان کشور را که حاصل ده سال حکومت تنگنایند خود‌هاست توجه کند و منتقدین درون حکومت را موعوب نماید.

انگیزه‌های خمینی تلاشی می‌کنند تا با تمرکز بیشتر قدرت در دست خود بر نهادها و درگیری‌های دسته‌های حکومتی سرنوشت خود را در پیروانش را متشکل سازد. به این منظور و محصور است هر چه بیشتر از موقعیت خود به‌عنوان ولی فقیه سودجویند و منتقدین درون و بیرون رژیم‌ها را سرخا می‌نمایند.

طی روزه‌های آتی درگیری جناح‌های حکومتی در عرصه سیاست‌های اقتصادی که در کشور به‌سبب آزادی رژیم و بخش دولت و بخش خصوصی در اقتصاد داخلی می‌یابد، بی‌شک سیاست خارجی و نوع رابطه با غرب و همچنین در رابطه با ختیار حکومتی و فعالیت‌های سیاسی ادامه خواهد یافت. یکی از عرصه‌های مهمی که درگیری و کشاکش دسته‌ها در آینده به‌طور حادتری حول آن تمرکز خواهد یافت، آزادی فعالیت گروه‌ها و احزاب و نهادهای مذهبی و سبب به حکومت با هدف سیاسی و تنگنایند جناح‌ها در اظهار نظر و انتقاد از سیاست‌های جناح غالب است. در بررسی نهادها و درون رژیم با بدتوجه داشت‌گدا و لا، این جناح‌ها همچنان در حال تغییر و تکوین هستند و شکل ناشی نیافته‌اند، تا‌نخاست، هر یک از جناح‌ها و دسته‌های حکومتی فیما بین و در هر یک از رده‌ها گیرند که سبب به‌منافع خویش و با انگیزه‌های گاه هم‌فراوان، در یک مقطع هم‌سودنده‌اند. این امر به‌جناح‌ها از ویژگی‌های طبقاتی و اجتماعی روحانیت که هر یک از آنها در دولت‌ها و در دست‌داری‌ها می‌شود. بر این اساس جناح‌های نیروها و عناصر در مقابل مختلف و سبب به‌سبب میل گوناگون از احتمالی است که با بدتوجه قرار گیرد.

همچنین با بدتوجه‌هاست که جناح‌ها و دسته‌های درون حکومت علیرغم اختلافات حاد درگیری در این با آن مورد، در زمینه حفظ نظام جمهوری اسلامی و استبداد مذهبی، در زمینه وجود املی ایدئولوژیک و دفاع از منافع روحانیت و نیز در زمینه سرکوب خن دمکراسی متحد و یک پارچه‌اند.

این رژیم در کلیت خود ارتجاعی، استبدادی و فئودالی است و راه‌های مردم‌پران مبارزه در جهت سرکوتی آن است. اما بدتوجه در راه سرکوتی رژیم‌ها را مبارزه‌های عباد را بدتوجه آن و ایجاد بدتوجه‌ترین فرمت‌های که در نتیجه کشاکش درون رژیم متضاد است با سرکوتی و شیوه فعالیت خود را با توجه به دور عرصه مبارزه ضد فقیه کنیم.

فتوای قتل "سلطان رشیدی"، تروریسم آشکار

به دنبال انتشار رکاب "آیات شیطان‌نوی" اعتراضاتی که در هندو پاكستان روی داد، خمینی کوشد تا با صدور فتوای حیرت‌انگیز قتل نویسنده و ناشرین کتاب از موقعیت برای تحریک احساسات مذهبی مردم سوء استفاده کند. فتوای خمینی به‌سبب تبلیغات مسمی مقامات و ارکان‌های رژیم در این باره در خدمت انحراف افکار مردم همین مسأله از مسایل و مشکلات داخلی و نتایج ده سال حکومت آنها و مفاذ خمینی در معرفی خود به‌عنوان رهبر مملکتان جهان بوده است. خمینی با توسل به مسأله "سلطان رشیدی" و بررک کردن آن کوشد تا با تحریک احساسات تشری مذهبی بیروانی خود، آنها را متشکل ترکند و ترفند ضد دینی در درون حکومت

را به نفع خویش تخفیف دهد. افکار عمومی مردم جهان حیرت زده از اقدام تروریستی آشکار خمینی در هتک حرمت آزادی، رژیم او را محکوم کردند. دولت‌های غربی درواکش‌بسته خواست مردم‌کشورها بیانشان و در تعقیب منافع خاص و استراتژیک خود در مقابل فتوای خمینی واکنشی هماهنگ و شدید نشان دادند.

صدور فتوای قتل "سلطان رشیدی" و ناشرین کتاب آیات شیطان‌نوی جلوه‌ای از تروریسم است که با کم‌برمی‌ماند و افکار گراما هیت فئودال-کلیسائی ارتجاعی و چهره‌های رژیم ولایت فقیه است. طبیعی است که ما مخالفان‌هاست به معتقدات و باورهای مذهبی مردم بوده و خواهان احترام به عقاید و افکار آزادی دین و مذهبی و شیوه زندگی مردم هستیم. اما رژیم آزادی دین و مذهبی را به‌تروریسم و صدور رژیم آزادی دین و مذهبی و ناشران کتاب او، چهره‌ها و رژیم استبدادی و فئودالی خود را می‌انسان و سبب به‌سبب دشمنی رژیم ولایت فقیه را با آزادی بیان و اندیشه و اعتقادات مردم برای جهان بیرون عیان نمود.

اوضاع اقتصادی کشور و مسأله‌های آزادی

ادامه هشت سال جنگ، بی‌سرنامگی و سیاست‌های فئودالی و فئودالی رژیم ولایت فقیه و اوضاع اقتصادی کشور را به‌طوری‌سابقه ای از هم سبب‌گشته است. ائتلاف بسیاری از امکانات اقتصادی کشور در جنگ، ائتلاف دهها ملیار رددلار ذخایر ارزی که می‌بایست به‌منظور توسعه اقتصادی و بهبود زندگی مردم قرار گیرد، اقتصاد کشور را به‌وضع وخیمی گرفتار کرده است. سیاست بران‌جمهوری اسلامی در حمایت بی‌قید و شرط از جناح بزرگ که با فعالیت‌های غیرتولیدی نظیر واسطه‌گری و احتکار زمین‌ها را استعمار می‌کنند، از عوامل شدت بحران و فلاح اقتصادی است.

علاوه بر بخش خصوصی بسیاری از موسسات حکومتی و بنیادهای رنگارنگ و صندوق‌های فخری الحسبه، به‌مناسبت محکوم و سرما به‌سبب بزرگ بازرگارانندگان اصلی آنها هستند، به‌سبب جلا و بوجده کشور و در آمد ناگه مردم مشغولند.

خوابی بی‌حاجت‌جنگ، خوابیدن و تحریک بخش اعظمی از کارخانجات، بی‌کاری وسیع و تخریب‌کننده کشور، مهاجرت وسیع توده‌های از روستاها به شهرها، رشدی نا‌بمغه فعالیت‌های غیرتولیدی و خدماتی، کسری قابل ملاحظه بوجده و... اینها در واقع وضع اقتصادی کشور را نشان می‌دهد. در چنین اوضاعی رژیم دست بردار نیست و باز بخش مهمی از بوجده کشور را به‌تدارکات جنگی اختصاص داده است.

برای بازسازی اقتصاد درونی شده و متاثر از تخریب‌کننده کشور قبل از هر چیز باید سبب جنگی خاتمه‌یابد و ختیار و حفاقت آخوندی که نیروی انسانی متخصص کشور را برای داده است، درهم شکسته شود.

بازسازی کشور با اتکا به سیاست بزرگ‌باز گذاشتن دست سرمایه‌داران بزرگ داخلی در پی اول مردم‌زمین‌ساز برای تأمین امکان فعالیت گسترده انحصارات امیرالیتی در ایران حاصلی جز افزایش فاصله بین فقرو ثروتمند و محرومیت بیشتر حجتگان نخواهد داشت.

به این منظور سبب همه‌امکانات ملی و استفاده در خورد و برنا موری شده‌ها را، استفاده از امکانات سبب لمللی برای به‌حرکت در آوردن جرایح اقتصاد کشور ضروری است. استفاده از تکنولوژی پیشرفته و مدرن، استفاده از سیستم‌های جدید مدیریت و سازمان‌دهی برای راه‌اندازی و نوسازی صنایع و برپا شده کشور لازم است. در این رابطه البته باید زهمه‌ها امکانات موجود در کشورها پیشرفته، با مطالعه دقیق و بررسی‌های همه‌جانبه و در نظر گرفتن منافع ملی ایران سود جست. ما به هیچ وجه طرفدار آن نیستیم که در بازسازی کشور یک جانبه بر منافع ملی تأکید شود و انزوا اقتصادی به کشور تحمیل گردد. اما هرگز نباید در چگونگی استفاده از امکانات خارجی بی‌طرف نبوده و نیستیم. مسأله اصلی چگونگی و شرایط استفاده از تکنولوژی و امکانات خارجی است. ما از رابطه برابری

حقوق با همه‌کشورها که کمترین بر منافع طرفین در خدمت شکوفایی و رشد اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم است دفاع می‌کنیم. اما سران حکومت از این رابطه اهداف دیگری را تعقیب می‌کنند.

رفسنجانی جناح‌ها را رودسته‌ها و برای تحکیم موقعیت رژیم، سردی قرار از بر جان و سرکوب هر ندادی آزادبخش‌ها نه خود را با زندگانی‌های اقتصادی و سیاسی امیرالیتی‌ها می‌بینند. رفسنجانی و اوردسته و گسترش رابطه با کشورهای غربی را به‌عنوان وسیله‌ای برای جلب حمایت آنها از جناح خود و تحکیم موقعیت خویش در جنگ قدرت در درون حکومت، مورد استفاده قرار می‌دهد.

برای بازسازی کشور ضروری است که هر ششدها هک اقتصاد دوتا بین استقلال کشور هدف قرار گیرد، بنا به هکنی ونا موزنی شدید در بین بخش های مختلف اقتصاد ای و شیردرد درون ارزش، وناهماهنگی اقتصادی مناطق مختلف کشور از میان برده نشود. این امر بدون تهیه و تدوین برنامه هه هه های عملی و واقع بینانه اقتصادی و بسیج همدا مگانا تا داخلی و خارجی امکان پذیر نیست. مجموعه هه اقتصاد کشور به ویژه بخش دولتی زیر بار سنگین دستگا ه عربی و طولیل ادا ری از نفس افتاده است. تولید در بخش دولتی به دلیل هرج و مرج و نسی - برنامه مکی و مدیریت غلط، غیر اقتصادی است. دموکراتیزه کردن حیات جامعه، مبارزه با فساد و بوروکراسی کسده، رسته کن کردن فساد و رسوخواری و تجهیز بخش دولتی اقتصاد با کار درهای منحصی، و اصلاح دایمی شیوه های مدیریت اقتصادی با استفاده از تجربه کشور های پیشرفته، به سرای نوسازی اقتصاد کشور ضروری است.

وضع مردم و زمیندهای گسترش مبارزه توده ای

کمبود فوق العاده ما بحتاج اولیه زندگی، بازاریا سه، تورمی سابقه و بیگاری میلیونسی، زندگی زحمتگشا ن میهن ما را فاجعه بار کرده است. حقوق ثابت کارگران، کارمندان دولت و معلمین با توجه به تورم سرسام آور کفاف زندگی آنها را نمیدهد. مردم برای تهیه ابتدایی ترین احتیاجات زندگی روزانه خود در میخانه اند. افزایش قیمت ها به سطح باور نکردنی رسیده است. سیاست رژیم در حمایت از تجار بزرگ که عا ملین اصلی و سودگرا گردانندگان بازاریا سه اند، بر فقر و محرومیت زحمتگشا ن افزوده است. رسوخواری و فساد دیداد می کند، وضعیت اسفنا بر پیدا نت و درمان و کمبود داروهای ضرور سلامت مردم را به خطر انداخته است. مهاجرت از روستا به شهر و حاشیه نشینی سه سه دور از ابتدایی ترین اذکانات زندگی، افزایش چشمگیری پیدا کرده است. گسترش بی سابقه قاچاق مواد مخدر که با ندهای وابسته به حکومت از گردانندگان اصلی است، و افزایش و حشمتناک اعتبار و سلامت جامعه و زندگی جوانان کشور را تهدید می کند. نارضایتی عمومی از این رژیم ارتجاعی و استبدادی گسترده است.

مبارزه زحمتگشا ن به خاطر تحقق خواست ها و مطالبات مستقیم شان، از زمینه عینی مناسبی برخوردار ر بوده و اهمیت و ضرورت بیش از پیش یافته است.

نارضایتی و اعتراض کارگران کشور که طی هشت سال جنگ سببترین لطبات به آنها وارد شده، طی ماههای اخیر وسعت بیشتری یافت. کارگشا ن در کارخانجات گوناگون به ویژه واحدهای مهم کلیدی کشور، برای بهبود شرایط کار و بر مظللمتات صنفی و رفاهی لب لبه اعتراض می کنند. این امر خمینی را واداشت تا در پیام ۲۰ دیماه خود به کارگران، و قیامها ز آنها بخواد تا از "فساد و صرف کرب" دست بردارند. و کارگران را دعوت کرد که تخفیفات و شرایط حقوقی با راجا کرا بهیودت ساکنان متخادی دیگر نیز تحمل کنند. رژیم از

حرکات اعتراضی کارگران و زحمتگشا ن کشور هراس دارد، اما قادر نیست جلوی مبارزات آنها را بگیرد. اوضاع استناک اقتصادی و اجتماعی کشور و فشار بر کارگران و زحمتگشا ن، زمینه ساز گسترش بازمیشترا اعتراضات کارگری است. جنبش دا نشجویی غیرمعتاد خنثی و استبداد بی سابقه حاکم بر کشور در ماههای اخیر وسعت یافت. دانشگاهیهای مختلف کشور نا هدا اعتراض و مبارزه دانشجوین بود. یکی از دانشجوین دانشگاه "علامه طباطبائی" در تهران در اعتراض به رژیم خودسوزی کرد. مبارزه دانشجوین اشکال متنوعی داشت، با خواست های صنفی و رفاهی تسبب شده دانشجو یسان و در مواردی سبب اعتراضی به اقدامات ضد دمکراتیک رژیم و خنثی و استبداد حاکم بر کشور همرا ه بود. در بعضی از دانشگاهها با سازمان خمینی دانشجوین را مورد ضرب و سرح قرار دادند و آنها را دستگیر کردند. انجمن های اسلامی به پرونده های علیه آنان بر داد خنثی و مطالبات دانشگاهها به توصیه ما واک رژیم به خراج و تخلیق دانشجوین مبارز حکم دادند. اما مبارزه ما خوش نشد.

جنبش دانشجوینی به عنوان بخش قابل مصل اهمیت جنبش دمکراتیک کشور، نشان داد که علیرغم سرکوب و تحقیر هه ای وسیع در دانشگاهها، ریشه نسیل در خورتوجهی در مبارزه دمکراتیک سرخوردار است. با توجه به سن و سواستی دانشجوهای کشور و نتایج ووزن جنبش دانشجوینی در مبارزات دمکراتیک مردم، روحیات دمکراتیک جوانان و وضعی کسسه بر اثر اشکالی متخدهای حکومتی در دانشگاهها به چشمی خورد، توده های به حشمت دانشجوینی و تطلات

در جهت ارتقا سطح و اشکال مبارزه دانشجو یسان پیش از هر زمان ضروری است. مبارزه میهنی از تحمیل های ارتجاعی و فرهنگ و هنر ستیزی رژیم فقها به تنگ آمده است. تحایل مردم به موسیقی ایرانی و سینما و استقبال بیش از انداز و روستگشا ن از هنر تئاتر و تریا ت و کتب علمی و مترقی، رژیم را محور کرده است تا در این زمینه تن به عقب نشینی های مصلحتی دهد و چهره آرای کند. یعنی از هنر منسجمدان، نویسندگان و بازیگران تا ترکشور در جنبش شرا یطی به فعالیتهای خنثیانه، تشکل های هر چند معدود از هنرمندان بکل گرفته است. برخی خیریات غیر حکومتی انتشار می یابد، اشکونه امکانات در هر جدو انداز برای اشاعه فرهنگ و هنر مترقی و مردمی سودمند است. با بدبازی سطر این امکانات کوشید و به فعالیتهای خنثیانه و تشکل های روشنفکری پرداخت. شکل گیری تشکل های هنری، فرهنگی و اشاعه فرهنگ مترقی و روشنگر، نقش در خوروی در آکا ه کردن مبارزه علیه اختناق و استبداد حاکم و تحمیل های ارتجاعی رژیم فقها بازی خواهد کرد.

آزادی اکتون به عمده ترین شعار جنبش تبدیل شده و مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی و قطع کسجده و اعدام در راه آن است. به این خاطر کارمندان خانواده زندانیان سیاسی و سببدا، یکی از عرصه های مهم فعالیت علیه روست و اختناق و در جهت اشناکری جنایات رژیم و جلب حمایت مردم از مبارزان در بند است. با توجه به تعداد در بیدار خانواده های زندانیان سیاسی و شهیدا، سهم و نقش آنها در این مبارزه برای نجات جان عزیزان در بند است. اهمیت زیاد دارد. در این زمینه مبارزه با ایداز همگان اشکال برای سازماندهی و مرستظ کردن آنها با هم و قرار هم نمودن زمینه حرکت اجتماعی و اعتراضی آنها به شکل و با هر روشی و سازماندهی اقداماتی که از گشتا ر فرزند ان سیران جلوگیری کند، استفاده شود. باید سه آنها را روجه داد و اهمیت همیستی با رباط شان را یاد آورند. باید به هر طریق مانع از آن ندهد که به راعاب رژیم برای جلوگیری از همیستی و تماس آنها با هم و اعتراضات جمعی آنها به جامعه داخلی و سیرا المللی متفرقتند. باید خانواده های شهیدا و زندانیان سیاسی را در سرکوت در ما سبب دسود مبارزان شهید تشویق و ترغیب کرده و در جنبش مجالسی با افتخار همه بیشتر ترزیم پرداخت.

کسک به خانواده های شهیدا و زندانیان سیاسی به عنوان یکی از وظایف هدی با بدسود توجه قرار گیرد. جمع آوری کسک به این منظور، به عنوان یکی از وظایف خانواده های زندانیان سیاسی به آنها یاد آوری شود و در عین حال از همده امکانات اشناکری در این رابطه بهره گیری کرد. این امر وظیفه همه دانشجوین خلقی، همه نیرو ههای ترقی خواه مردمی، همه در داخل و همه در خارج کشور است.

اوضاع کشور و وضع مردم، حضور گسترده تر سازمان در مبارزه توده ای علیه رژیم ارتجاعی سبب می کند. علیرغم استبداد و اختناق حاکم امکان و ضرورت فعالیت اشکالی سازمان یافته علیه رژیم وجود دارد. حفظ و گسترش واحدهای حسی به صورت غیر منمکر و مخفی، و نداد و حضور مستقیم و سازمان زمان در میان مردم، امری حیاتی برای جنبش است. در این رابطه با در تجزیهات ۵ ساله گذشته بود و دست کار در از مدت و با حوصله و با سمت گیری طبقاتی معین را پیش برد. نیروهای وسیعی که امکان و ضرورت سازماندهی آنها در واحدهای حسی وجود ندارد، چه محافل هوادا روجه رفقای منفرد، باید به با توجه به اوضاع کنونی کشور مناسب با شرایط و محیط کار روزندگی خود در ابعاد دقیق نوا بسط امنیتی به فعالیت بردا زند. با توجه به مسهم بودن ساله آزادی، با بدبازی و حشمتگشا ن در محافل و مجامع دمکراتیک در هر سطح و به هر شکل، جنبش دمکراتیک را در سمت مبارزه علیه سرکسوب و اختناق و تحمیل های ارتجاعی رژیم و حشمتناک خمینی به عنوان مظهر رژیم آزادی کش و استبداد ولایت فقیه سمت داد.

با دارا مکاناتی هر چند محدود و موسمی کسک برای فعالیت در مجامع علمی سیاسی و اجتماعی از جمله محافل فرهنگی، هنری، ادبی و... بدبدا آمده است استفاده کرد. با بددر جدا مگانا تشکل ها و محافل گوناگون کارگری، کارمندی، دانشجوینی، دانش آموزی، محلات و... حشمتگشا ن را رگرو در آنها حضور یافت. در مبارزه صنفی و سیاسی اشناکری مختلف شرکت نمود. آنها را با ایداز دهه ها، محافل و تشکل های گوناگون علمی و مخفی و تلاش برای عمده رادن هرج و مرج رژیم باری کرد. دانشجوین خلق که به دلیل سرکدر رژیم محور به سرک میهن شده اند سازمان های خارج کشور را بد

ضمن تلاش همه جانبه برای اشناکری چهره آزادی کش و استبداد رژیم خمینی در میان جهان و مجامع و محافل گوناگون، تمام توان و انرژی خود را صرف مبارزات مبارزه در داخل کشور کردند. همزمان آنها در داخل کشور با ایداز تشکل های مصلحتی، تدارکاتی ایران خود که در خارج کشور هستند، بهره مندی کردند.

اشکون وظیفه مهم استفا ده از همه امکانات کوچک و بزرگ، بکارگیری شیوه های متنوع و گوناگون مبارزه، مشتتا با شرایط و سطح جنبش توده ای و اشکالی خلافتا شعرا رها و تشکل های روزمره با شعار وسعت گیری اشرا تشویک در جهت براندازی رژیم جمهوری اسلامی است.

ضروری است در اینجا مختصرا به چگونگی پیشرفت مذاکرات صلح بین رژیم های ایران و عراق اشناک کنیم، واقعیت این است که با گذشت بیش از ۶ ماه از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم خمینی، و انجام چند دور مذاکره بین طرفین، هنوز در روند صلح پیشرفت قابل توجهی به دست نیامده است. نتیجتا بین مذاکرات تا کنون، مبادله تعداد اندکی از اسرای دوطرف به دست است. هر یک از طرفین با قرار دادن بیش شرط ها و انجاسم اقداماتی غیر مسئولانه، مذاکرات صلح را بسبب بن بست کشانده اند. در حال حاضر تمام عملی در عدم پیشرفت مذاکرات، قبل از همه با فشار رژیم ارتجاعی مدام به عدم پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر به عنوان مبنای گفتگوها، و عقب کشیدن نیروها پیش از کار ایران، به مزهازی بین کشینی است. مدام بر ادعای قدیمی و توسعه طلبانه رژیم عراق مبنی بر حاکمیت آن کشور بر اسرا و روستدو در ایداز تشکساری می کند و با فریبست ایداز قطعنامه الجزایر که سرز دو کشور را خط الفجر ایداز مورد بحث می دانند، بدبیدر.

رژیم جمهوری اسلامی نیز با توسل به اعمال تحریک آمیزی نظیر بازرسی کشتی ها در تنگه هرمز، تجمع و تمرکز غیر عادی نیرو در مرز دو کشور، عدم مواقت با مبادله بی قید شرط اسرا و تلاش برای امتیازگیری به خاطر تعداد اسرای بیشتر کشی در اختیار دارا، در پیشرفت مذاکرات صلح کارشکنی می کند.

در آخرین دور مذاکرات رژیم عراق بی آزادی بی قید و شرط اسرای جنگی، لایروبی اسرا و روستدو، و قطع بازرسی کشتی ها در خلیج فارس توسط جمهوری اسلامی تا کیده است. رژیم خمینی نیز انجام دور بعدی مذاکرات را بوکول به عقب نشینی کامل نیروهای عراقی از ایران نمود. به این ترتیب پیشبدا ۴ ماده ای دبیرکل سازمان ملل متحد که با طرح فصل موارد اختلاف یا دسده برای راهگشایی مذاکرات جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ بود، نتایجی به همراه نداشت. با این همه با تلاش های جدید سازمان ملل در نیمه دوم بهمن ماه دور جدید مذاکرات بین طرفین بر مبنای پیشبدا جدید را نه شده از سوی دبیرکل سازمان ملل سرگزا رگردد. این اجلاسها نتیجه ای به بار نیاورد. اما طرفین مواقت کردند که پس از چندین جلسه دیگری برای بررسی موارد اختلاف تشکیل دهند.

روشن است پس از هشت سال جنگ و خصومت و وجود اختلافات قدیمی بین دو کشور، دستبازی به صلح باید از امری دشوار است و اشکالی احساس مسئولیت همه جا به نسی ملطبد، اما رژیم های ارتجاعی دو کشور هر یک با اهداف و انگیزه های سیاسی خاص خود، حل و فصل مسالمت آمیز موارد اختلاف را دشوار می کنند.

توقف مذاکرات صلح در حالی که هر دو کشور حالت بسج جنگی خود را حفظ کرده اند، نگران کننده است. برای جلوگیری از اعمال ما جرایا سه احتمالی طرفین و شعله ور شدن مجدد جنگ، انژما است آتش بس تحکیم شود و مذاکرات پیش رود. به این منظور با بد رژیم عراق را محور کرده تا نیروهای خود را از خاک میهن به سمت مرزهای بین المللی توافقی شده و قرار داد الجزایر عقب کشد، و رژیم خمینی نیز چنین کند. حالت بسج جنگی و تمرکز نیروها در حاشیه ها، تصمیمی بدوز میهنه برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل به منظور تحکیم آتش بس و پیشرفت مذاکرات صلح، فرا هم شود.

پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر به عنوان مبنای گفتگوهای طرفین و اجرای مواذ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را هکنی حل سیاسی و مسالمت آمیز اختلافات است و می توان در چشم انداز صلح را کشا بد.

همچنین اسرای جنگی، این قربانیان حشمت رژیم های مدام و خمینی باید بدون قید و شرط و به طور کامل آزاد شوند و زمینه برای بازگشت دا وظلیا نه آنها به میهن شان فراهم گردد. امتیاز گیری سرسرا و ناخبردارا کردن آنها که سالها در بندترین شرایط ویرستان رژیم های ارتجاعی دو

لایحه بودجه سال ۱۳۶۷

مظهر و رشکستگی و واماندگی رژیم

لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور که قرار می‌گیرد پس از تدوین و تصویب "برنامه اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی" و براساس این برنامه مقبل از پایان ۱۳۶۷ تهیه و به مجلس سروده شود، در اوایل دی ماه سال جاری به مجلس ارائه گردید. دولت میرحسین موسوی ضمن حفظ وضعیت جنگی در کشور برنامه مقبل سال توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در میانه ماه سال ۶۷ به مجلس برد و مجلس نیز بناچار کلیات آن را تصویب کرد. بودجه سال ۱۳۶۸ بدون ارتباط با این برنامه تنظیم و به مجلس ارائه شد.

واقعیت های موجود نشان می‌دهد که هیچ چشم‌انداز روشنی در برابر طراحان برنامه بودجه ریزان رژیم وجود ندارد و هرگز کسی بر محسوس واقعیت و روابط خود آینده‌ویژه‌ای را ترسیم نمی‌نماید. این خود یکی از مظاهر نتایج فاجده رژیم است.

بودجه‌گذاری رژیم‌اساسا مبتنی بر تئوریهایی رزبه‌هر طریق ممکن، اما کاهش شدید درآمد نفت و نبود امکان دیگری جهت تهیه رز، درآمدهای مالی دولت را نیز بسیار شدید کاهش داده است. تولید مویست نیز اساسا افت جدی رو بر صورت. در چنین حالتی افزایش مالیات ها و دربارت قرض از سیستم بانکی که اساسا به معنی حباب شکناسی بی نتوانناست، تنها راهی برای تهیه ریزال است. حاصل این اقدام نیز در هرحالت شدید تورم و کاهش درآمد مردم و به ویژه زحمتکشان جامعه است و از سوی دیگر افزایش سرسام‌آوردن مدتها و سرسام‌باران بصری. وضع اینک به این صورت درآمدها است که طبقه... ق. داده‌های رسمی و غیررسمی بدهی دولت به سیستم بانکی به‌رغمی بیش از یکبار افزایش یافته است. با نالغ شده، نقدینگی بخش خصوصی به حدود ۱/۵ هزار میلیارد تومان رسیده و درآمد ملی به سطح ۱۵ سال پیش افت کرده است. با بدست‌آمده است که نسبت درآمد ملی در شرایطی رخ می‌دهد که جمعیت کشور از حدود ۳۰ میلیون نفر به بیش از ۵۰ میلیون نفر رسیده است. این بدهی گسترش‌یافته محرومیت نخست‌وزیر با بر روی تمام مجلس اعلام می‌کند:

"ارز بل ۱۳۵۶ تاکنون مردم با به‌طور متوسط سالانه ۱/۲ درصد از مصرف خود کاسته‌اند... البته رقم ۱/۲ درصد تورمی است و براساس قدرت خرید مردم در این سالها رزهرت نکرده‌اند. محروم‌ترین اقشار این ملت و متعهدترین طبقات مردم نسبت به انقلاب حلیما ننویسند تنها بی تمام این بار را به دوش کشیدند". اگر این واقعیت را بد زبان ساده بیان کنیم، این حقیقت چنین می‌شود، در طبع سوسول ده سال حکومت آخوندها، محروم‌ترین اقشار ملت همرال فقیرتر شده‌اند و قدرت خریدشان با نسیب آنده‌است. در این رابطه داده‌های کمیته سازمان هوایی ۲۸ دی ماه ۶۷ مراجمی کنیم، مطابق این داده‌ها ۵ میلیون نفر از اهالی کشور روزی ۶ ریال و به عبارت دیگری خانواد ۵ نفره ۳۰۰ ریال ۹۰۰ تومان درآمد دارند، در حالی که ۳۰۰ هزار خانوار درآمدی معادل ۴۰۰ هزار تومان در ماه دارند. سالانه ۸۰ درصد ثروت کشور دست نیم میلیون نفر است و ۷۰ درصد جمعیت ایران در حفره فقر زندگی می‌کنند.

علیرغم بدهی عظیم دولت به سیستم بانکی و با وجود پرداخت منافع هنگفتی در سال ۱۳۶۷، دولت میرحسین موسوی نتوانست هزینه‌های جاری کشور را تا پایان سال تا مین نماید و مجددا در اوایل دیماه لایحه‌ای دربارت قرض بیشتری را به مجلس برد. این محتوای لایحه‌ی توسط روزنامه رسالت، حامل کمکت های درون حاکم‌های مختلف رژیم بود. نخست‌وزیر موسوی ضمن ارائه لایحه بودجه مجلس می‌گوید، این بودجه با بودجه سال ۶۷ فرتی ندارد. بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور همانند سال قبل تا مین نماند و از جهت در اوبت قرار گرفته است، یعنی برای همین سال بیش از نیمی از بودجه به‌طور مستقیم و بخشی به‌طور غیر مستقیم به جنگ اختصاص یافته است.

بدون در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از جنگ، هزینه‌های جاری نسبت به سال قبل ۲/۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. علیرغم کاهش درآمد های دولت، لایحه بودجه رقم درشت تری را برای تغذیه دستگاه عریض و طویل دولت که هر روز گسترش بیشتری می‌یابد، اختصاص داده‌است. البته برای تا مین اشنگای سیری نا پذیر آخوندها و آخوندها زاده‌ها بی که در اسل مورتر کشته‌اند و گسترش دستگاه های سرکوب سیاسی برای حفظ رژیم را می‌توان نیز نسبت ارقام ارائه شده بودجه سال ۶۸ نشان می‌دهد

که حدود ۸۰ درصد بودجه به هزینه‌های جاری اختصاص یافته است. حجت تا مین هزینه‌های فوق به دلیل کاهش درآمد نفت، دولت افزایش سهم مالیات ها مستقیم و غیر مستقیم را تا حدت مین ۵ درصد بودجه درآمدهای بودجه در نظر گرفته است. در توجه به تحریر سال های قبل، طی حاکمیت آخوندها وصول مالیات از ما حبان درآمدهای کلان ناممکن بوده است و بنا بر این این رقم باید از ما حبان درآمدهای ثابت و کسب‌خیز وصول شود و این سبب طاقت فرسای بی بردن زحمتکشان میهن ما است.

با وجود افزایش تولید و صدور نفت و افزایش رقم مالیات ها، مطابق محاسبه‌های تازه نماینده مجلس، بودجه سال ۶۸ بیش از ۱۴۰۰ میلیارد ریال کسری خواهد داشت. البته به دلیل اغراقی... آمیز بودن پیش‌بینی های مربوط به ستون درآمد در چند سال اخیر، دولت مجبور شده است در ثلث آخر سال لایحه منتهی بودجه را برای دریافت اجاره اجاره استقرار بیشترازی سیستم بانکی به مجلس ببرد و در سال ۶۸ نیز تکرار وضعیت سال های قبل ناگزیر به نظر می‌رسد. هیچ مانع و برنامه‌ریزی برای عمل نمی‌کند. نا اشنا که روزنامه اطلاعات می‌نویسد "تا زمانی که کسری بودجه و میزان استقرار دولت از سیستم بانکی و همچنین نقدینگی کلان بخش خصوصی تحت ضوابط مشخص و معینی در دنیا بیست نمی‌توان مدعی برنامه عملی توسعه از یک سو و مبارزه با تورم و کاهش ارزش پول از سوی دیگر شد. دقت بدهد که استقرار دولت از سیستم بانکی و صرف آن در راه هزینه‌های جاری نشانگر بیساری اقتصاد دی است که می‌بایست به سرعت در راه معالجه آن کام برداشت. هر دو بودجه یعنی بودجه سال ۱۳۶۸ و منتهی سال ۶۷ نشانگر ما تندی دستگاه بودجه بندی و برنامه‌ریزی جامعه است (اطلاعات ۱۲ آبانم). آری، واماندگی و در مانده‌گی در برنامه‌ریزی و نبود هرگونه برنامه‌ریزی برای پای بندی به برنامه اقتصادی و رها شدن تولید و اقتصاد کشور و هزار اقدام مشابه آن، علیرغم ادعای رژیم در باره "دهه‌های زری" همچنان بی‌انگترت و زوتشده و بی‌انگتری های رژیم در تولید و اقتصاد است. □



می‌کند، انجام گرفته است، قادر نیست بر عزم و اراده ما در مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین ظلی ایجاد کند. هر چند اساسا فاجعه بزرگ و جبران نا پذیر است، اما اراده پولادین خلق ما و فرزندان بیرومتدان، بر مستبدین حاکم بر میهنمان بیرونی خواهد شد. رژیم خمینی با توسل به چنین جنایت‌ها بی‌نی‌توانند راه را برای دستپا سی به اهداف ارتجاعی و ضد مردمی خود هموار کنند. سران جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از ضعف و پراکندگی نیروهای اوبوزیسیون انقلابی و ترقیخواه کشور جرات دست زدن به چنین جنایتیست بی سابقه‌ای را پیدا کردند. آنها می‌کوشند تا بسا تشدید اختناق و سرکوب نیروهای مترقی کشور زمینه را برای تثبیت و تحکیم رژیم خود قرار دهند. اختناق و استبداد بی سابقه‌ای که بر کشور ما زده‌ای برای آزادی را باعث و قدرت بیشتر تری مطرح کرده است. در حال حاضر مبارزه برای آزادی های سیاسی، از طریق مبارزه در راه توقف اعدام ها، نجات جان زندان سیاسی، علیه شکنجه و اعدام و تعقیب و پیگرد نیروهای انقلابی و دمکراتیک کشور، در راه وظایف همه ما زمان ها، اجزای و نیروهای ترقیخواه ایران قرار دارد.

فدائیان خلق همه نیروها و شخصیت های مترقی کشور را به مبارزه مشترک علیه شکنجه و اعدام تروورا اختناق حاکم بر ایران فرا می‌خوانند. ما آماده و خواهان وسیع‌ترین همکاری در جهت کمک به خا نواده‌های شهدای اعدام‌های اخیر و زندانیان سیاسی کشور هستیم. در این راه ما باید همه امکانات به‌طور مقتضی سود جست.

در شرایط خاص کنونی باید تلاش کرد تا نیروهای انقلابی و مترقی کشور متحد شوند و به صورت یک اوبوزیسیون قدرتمند برآمدنما بنند. فدا نشیان خلق به نوبه خود می‌کوشند تا علاوه بر ورود با تمام نیرو به عرصه مبارزه همه‌جا تنه علیه رژیم، در جهت ایجاد یک آلتربنا تیو متحدکننده با شعار فدا نما از طبع، آزادی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تلاش نما بنند.

اوضاع کنونی و نیروهای اصلی جنبش ترقیخواه کشور، از همه احزاب، سازمان ها، جنبش ها، مجامع و شخصیت های مترقی ملحد و دست آر؛ دیخواه طلب می‌کنند تا به خاطر میسار زنده راه دمکراسی و برانداختن رژیم مستبد و ضد مردمی جمهوری اسلامی متحد شوند. □

ایمانی مقیم با کسان و ایران با ادا محسنک و کشتار با سخ یافت. مذاکرات زودرسال گذشته و در بی آن خروج کامل نیروهای نظامی از افغانستان نشانده تعامیل جدی و اقدام موافقینا نه دولت های افغانستان و اتحاد شوروی در حل مسالمتی است. تجربه نشان داده است که توسل به راه حل های نظامی که گشای منگلا فغانستان نیست، شلانی مسئولانه است که هر چه مستحسبوی راه حل های سیاسی مناسب با منافع مستبدم افغانستان متمرکز گردد.

با خروج کامل نیروهای شوروی از افغانستان و پایبندی دولت های افغانستان و شوروی به سه قرار داد زدنو، اقدامات دیپلماتیک و صلح‌دوستانه آنها، زمینه‌ساز ایجاد صلح و استقرار یک دولت اشتلانی در افغانستان بیست از هر زمان فرا هم گردید. اما گروهی ای همت گاه مقیم با کسان خصوصا چپا کرگرو و بنیادگرای خمین آن کشور، با تانکید یک جا سبب درخواست خود منی بر استقرار یک رژیم بنیادگرای اسلامی در افغانستان، و عدم پذیرش یک حکومت اشتلانی مورد قبول همه طرف های درگیر، غیر مسئولانه بر ادا بد جنگ و کشتار در کشور با فشار می‌کنند. تا کنید بر ادا محنتک حاصلی جز ویرانی بیشتر کشور و افزایش مایلمات و فقر و تنگدستی مردم افغانستان نخواهد داشت، و مسئولیت آن سه عهده‌گروهای مورد حجت است. عقل سلیم حکم می‌کند که همه طرف های درگیر مانعه ملسمی را سبب بریند و سراراده مردم افغانستان مینی بر حبل سیاسی مسایل کشورنا ن کردن بنند.

مواجه رسمی اعلام شده توسط مقامات جمهوری اسلامی طی ماه های اخیر و به خصوص سخنان وزیر خارجه خمینی طی مسافرت بنمن ما خود به کسان، همه حاکمی ازان است که رژیم جمهوری اسلامی ملحد در افغانستان را با خواست های توسعه طلبانه خود بیودمی دهد. رژیم خمینی جدر مذاکرات با انا دشواری وجود مذاکرات با گروهی ای مقیم با کسان، از حط منی مسئولانه با ن دادن نوری به جنگ و تشکیل دولت اشتلانی با شرکت همه نیروها بیرونی بگردداست.

حناختن با حفظ عام برداشتی کسان سیاسی توسط رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی که ما هدف تصعب اوبوزیسیون اشتلانی و ترقی خواه کشور که در جهت براندازی رژیم مسبارره

کشور قرار داشته‌اند، عطفی است حنا بیکار را که مغایر با تمام مبانی حقوق بشر که در عین حال بر روند پیشرفت مذاکرات صلح لطمه وارد می‌سازد. در اینجا لازم است به مواضع و سیاست های رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با همه با شرقتی کشورنا ن افغانستان اشاره کنیم.

پیوندهای عمیق فرهنگی و تاریخی خلق های میهن ما و افغانستان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. وجود زبان، فرهنگ و آداب و رسوم مشترک بین خلق های ایران و افغانستان از دیرباز زمینه‌ساز نزدیکی و حسن همجواری دو کشور همسایه بوده است. دولت و مردم افغانستان بیرونی مردم ما بر رژیم‌ها را چون ایرانیان جن گرفتند و از همان ابتدا از حمتکشان ایران پشتیبان کردند. حکومت افغانستان طی هشت سال جنگ ایران و عراق مواضع بی طرفانه خود را حفظ کرد و همواره بر ضرورت قطع جنگ و برقراری صلح از طریق مذاکره با فشاری نمود. در باره مناسبات دو کشور نیز این دولت همواره خواستار عدم مداخله، حسن همجواری و همکاری در زمینه مسایل مشترک بوده است. اما رژیم جمهوری اسلامی از فرادای بیرونی انقلاب در ایران به تحریکات علیه دولت و ملت افغانستان آغاز زنداد. سران رژیم جمهوری اسلامی استقرار حاکمیت مردمی در افغانستان را که هدف آن تلاش برای درهم‌کنش نظام کهنه و استقرار نظمی نو در کشور بود، با منافع ارتجاعی خویش دما زنیافتند. حضور وجود افغانستانی دمکراتیک و مترقی در همسایگی میهن ما و تا شیرکداری آن بر مبارزات دمکراتیک و عدالت خواهانه مردم ایران، برای رژیم خمینی خوشایند نبود و نسبت، این امر سبب شده است تا رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز با بیورش فدا تلاقی اجبرنا لسموا رتجاج متفقد علیه انقلاب افغانستان همسوی کند. مواضع رژیم خمینی در رابطه با دولت جمهوری افغانستان و مسئولیت مداخله جویانه آن برای سرنگونی حکومت افغانستان با مواضع امیرالایماریکا، عربستان سعودی و سرگردگان رتشی با کسان است. اینکارا ملحد و دستا ندو مسئولانه دولت است.

افغانستان و اتحاد شوروی برای مصالحه ملی و پایان دادن به جنگ، علیرغم سنبت و عطف فراوان از جانب آنها، توسط باندهای مداخله

چهار میلیون مهاجر ...
خودشان را مانع می شود.

این مهاجرین کیستند؟ از اقلیتی غارتگر و زرادند و خسته بگردیم، این چهار میلیون ایرانی آواره بخیر، بسیار مهمی از گرانقدرترین سرمایه های انسانی میهن ما هستند که استبداد و ارتجاع آنها را از کشورمان آواره کرده است. بخشی از مهاجرین شامل رهبران، کادرها، اعضا و هواداران سازمان های انقلابی، میهن پرست و مرضی هستند که در معرض شدیدترین انتقام حویلی های رژیم خمینی اند. کارنامه آنها عبارت از کارنامه مردمی است که برای خواست ها و آرمان های بشری حق خود، برای قطع جنگ، برای برقراری آزادی در کشور، برای بهبود زندگی توده های مردم، برای پیروزی و ترقی میهن خود، برای بی افکندن حاکم های مبتنی بر عدالت و آزادی مبارزه می کنند و در این راه زندگی خود را نثار می کنند. این فرزندان شریف ایران، علی رغم تفاوت های طبقاتی، مسلکی و سیاسی، همگی امروز خواستار ریایان دادن به سبب ظلمانی استبداد فاشیستی و آزادی مردم ایران از زندان جهنمی آوندها هستند. رژیم ارتجاع با پایمال کردن آزادی، با منع هرگونه فعالیت قانونی احزاب و نیروهای سیاسی، با برقراری رژیم اختناق، آغازگر جنگی خونین با نیروهای مترقی کشور ما بود. در جریان این جنگ خونبار است که موازات شهادت و اسارت دهها هزار آزاترگان آسمان مقاومت مردمی، دهها هزار ریزش زمین نمود آورده و برای نا مین شرایط تداوم نبرد، زندگی، تلخ، رنجبار و فرساینده مهاجرت را بدینا شدند. مهاجرت این جمع عظیم خادمان وطن خرابه های سنگین بر زندگی سیاسی، اجتماعی کشور ما است. ضربه ای که از مظلومانه ترین اقدامات ارتجاع حاکم علیه مصالح مردم میهن ما است.

در کنار مهاجرین سیاسی، مدعاها هزاران هموطن ما نیز در نتیجه تحمیلات ارتجاعی رژیم به همه ما مورزندگی آنان، در نتیجه محاصره مورخا معده دست آوندها و مدافعان قشری آنها و در نتیجه دشواری های فزاینده در زندگی روزمره و عادی جلالی وطن کرده اند. جمع کثیری از گزیده ترین مغزهای علم و ادب و هنر و صنعت ایران، جمع عظیمی از بهترین پزشکان، مهندسان، طراحان، اقتصاددانان، نویسندگان و شاعران و نقاشان و موسیقی سازان و سینماگران و استادان دانشگاه و غیره و غیره از مره مهاجرین شده اند که استبداد حتی در فاشیستی ترین رژیم ها نیز می توانستند راهی برای ماندن در کشور خود پیدا کنند. اما رژیم خمینی همه را برای بر روی آنها بست. دانشمندان و متخصصانی هستند که حتی به دلیل نداشتن ریشی خود، به دلیل سرمو عدا فرستادن در نمازهای دسته جمعی محل کار، به دلیل بیرون افتادن تارموی آنها از ریزجرقه یا پوشیدن جوراب نازک، به دلیل بیداشدن نوارهای موسیقی در درخانه و ماشین آنها، به دلیل مشروب نوشیدن آنها در یک جشن خانوادگی، به دلیل استفاده از موسیقی در عروسی فرزند خود، و به دلیل مواردی ما نند عدم تابعیت از دست و آوندها برای بریدن انگشت دست و در آوردن چشم قربانان دادگاه های شرع، ناچار به جلالی وطن شدند. آیا تاکنون در کجای جهان دیده شده که رژیم تابدین حد حرمت

مردمی را که مال کند؟ آیا نه این است که حتی مخالفین رژیم نیز برای حفظ آبروی خود در برابر راجحان که می از مردن همه ختا بیات آن ترمی کنند؟ آخر کدام استن (نمی گویند) تمدن) غیر دیوانه آنها بود وضع کشور ما می تواند این افسانه ها و واقعیت یافته را با و رکنند؟ مهاجرینی که مدین دلایل واهی و عجیب و شرم آور از میهن خود را داده اند، کسانی هستند که جسیا رموارد کوی سفت را در تخصص و دانش و خلایق از هم تابان میزبان خود نیز برده و به تنهایی بر سینه کشورشان نشان افتخاری شده اند. در آلمان و آمریکا و بسیاری دیگر از کشورهای بیقرته، عده ای از بهترین و معتبرترین پزشورها، جراحا، روانشاسان، استادان دانشگاهها، مهندسین، مدبران کارخانهها، خیاطان، آرنیستکها، متخصصین کامیونتر و حتی برخی از دانشمندان علوم فضای ایرانی هستند. حساب کنید برای تربیت یک پرسور جراح که ریاست فلان بیمارستان معتبر فلان کشور بسیار بیشتر وقتیه غرب را به عهده می گیرد، هقدر سرمایه و استعداد دلان است؟ حساب کنید که یک کشور از حضور مدعا و صدها دانشمند متخصص در این سطح چه بهره ای برمی گیرد؟ حساب کنید دهها هزار دانشمند و متخصص و کارپردازان را که در کشور ما کوجا نده شدند، آنگاه بعد از هجرت بیس از پیش فاش می شود. به کمک متخصصین ایرانی در مهاجرت می توان نمای موریک کشور چند میلیونی را سازمان داد و به گونه ای موفقیت آمیز و با استفاده از عالی ترین سطح حد تخصصی پیش برد. این نیروی عظیم، نیروی مردم ما است. اینها فرزندان کشور ما هستند. اینها بخشی از مردما هستند، برای تربیت آنان مردم ما هزینه گزاف پرداخته اند. برای بهره گیری از کار و تخصص آنان مردم ما آرزوهای بسیار برورده اند. کجاست آن نیرو و مظلوم کردن آن جنایتی هولناک بر ضد مردم ایران است. جنایتی علیه حقوق بشر و علیه حیثیت و شرف انسان است.

افزون بر این، صدها هزار ایرانی به دلیل نبود شغل و امنیت شغلی، به دلیل وابستگی خانوادگی به اعضا سازمان های سیاسی و خطری که از این جهت آنان را تهدید می کند، به دلیل فرار از جنگ و بیای خانمانی در نتیجه ویرانی عسای جنگ، به دلیل تسخیر در محیط های آموزش و تئود امکانات آموزشی، به دلیل تسبیحات ملی و قومی و مذهبی و خطری که از این جهت آنان را تهدید می کند، به دلیل جیال و غارتگران آوندها و سها بن و ما یوران آنها و به هزار دلیل دیگر آواره غربت اند. این هم میهنان ما در بدترین شرایط زندگی خود اسیری می کنند. عدم امنیت بی قانونی، تهدید و خطری که به اشکال مختلف بر زندگی آنها در کشور ما افتاده، آنها را به غربت کوجا نده است. اکنون مهاجرت نیز بر آرم این توده عظیم شده اند. فزوده شده و خطر آنکه حتی به همین جرم زندگی و خانه و آشیانه خود را از دست بدهند میان آنان و میهن شان جایل افکنده است.

چهار میلیون ایرانی مهاجر و آواره مبرم ترین خواستگان تامین شرایط بازگشتان به کشور است. سران ارتجاع، پس از قطع جنگ و سر بر آوردن مشکلات عظیم خود ساختن در برابر سازمان های کشور و بران، اینجا و آنجا سخن از لزوم جذب متخصصین مهاجر می گویند. اما اینان به جز

برخی حرف های تبلیغاتی، بپوک و بدون پشتوانه و تضمین تاکنون چیزی نگفته اند. همین حرف ها نیز با توسط خود گویندگان و ویا به گونه ای رزسبر توسط رهبران یعنی خلیفه جران بپوک و بساد هوا می شود. نطق های خمینی در طی ماه اسفند و خطری که وی در زکشت مهاجرین از نگاه "حزب الله" ابراز کرد، به خوبی بی پایگی مواجندگی و نیم سند و تبلیغاتی رژیم روشن می کند.

خواست ۵ میلیون ایرانی و چهار میلیون مهاجر ایرانی این است که همه مهاجرین بیست کشورشان بازگردند. تعقیب و تهدید و بازداشت مهاجرین و ممانعت از بازگشت آنان به کشور، جنایتی است که باید پایان یابد. کشور ما زندگی فرزندان خود، به مغز و زو و ابانگه روسا زندگی بروردگان خویش نیا زمیرد. ما زره بیکسر، مستگرا نه و موثر برای بازگشت مهاجرین به میهن، وظیفه انقلابی، انسانی و میهنی بزرگی است که همه سازمان های میهن پرست را ملزم به پیگیری آن در راه آن می کند.

بدون شک ارتجاع فقط هتی همچنان خواهد کوشید که در برابر این خواست مردمی بسد، حکومت مستبد آخوندی و تداوم هزاران تحمیل ارتجاعی در زندگی مردم خوددهان سادامی است که چه چهار میلیون هموطن مهاجر را از میهنشان دور نگه می دارد. در چنین شرایطی ضروری است که مستقل از اختلافات مسلکی، عقیدتی و سیاسی نیروی عظیم مهاجرین برای تحقق هدف بازگشت به هم بیوندند. ما بد برای متحد کردن مهاجرین و به کار انداختن نیروی سترگ همکاری و اتحاد آنان، علیه رژیم استبدادی و به منظور دفاع از صلح و آزادی و بازگشت به میهن با تمام توان بکوشیم. با شکره درد مشترک این جامعه چهار میلیونی، آفریننده مدلی و اتحادی با شکره کشور عزیز ما را در دستا بی به صبح آزادی و بهروزی با یری رساند.

اینچنین در چشم انتظار ی شب ها چندان دراز می گذرد که ترانه ریشه افشان کرده درخت و ابر با لیده است و آنا نکه به زندان ها اندرند، مادر! و آنا نکه روانه تبعیدگاهها شده اند هر بار که آهی بر آرند، نگاه کن! اینجا برگی برای این سپیدار می لرزد. "یا نبیس ریتوس"

هراس خمینی ...
بقیه از صفحه ۳

روز کارگر را با شکوه برگزار کنیم

کارگران مبارز!

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان علیهمه سرمایه داری، امبرالیسم و ارتجاع است. رژیم آخوندی به هر شوطه ای دست می زند تا روز کارگر را بی اعتبار سازد.

با تحریم گردهمایی های فرمایشی رژیم و برگزاری مستقلانه این جشن، توطئه رژیم ضد کارگری خمینی را خنثی کنید.

برای رسمیت بخشیدن به تعطیلی روز کارگر مبارزه کنید. تصویب و اجرای بی وقفه یک قانون کار دمکراتیک را مطالبه کنید.

برای تامین آزادی های سیاسی و سندیکایی، برای تامین اشتغال و بازگشت کارگران اخراجی بر سر کار، برای تامین حق بیمه بیکاری با شرایط مناسب و برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار مبارزه کنید.

برای بزرگداشت روز کارگر، در واحدهای سازمان کمیته سرگزاران جشن اول ماه مه را تشکیل دهید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بیامدهای فتوای تروویستی خمینی

هیاهوی آخوندهای حاکم بیرامون کتساب ت شیطان "سوشه سلیمان رندی، نویسنده تیاران انگلیسی، علیرغم اعتراضات جهانی در ماه هفتاد و یکم، گسترش اعتراضات و فتوای تروویستی، برخی از مسئولان حکومت که قسدهام بستی خمینی را برای سبط مناسبات رژیم با زبان پارسی دیدند و دفاع از آن را در مجامع لمللی دشواری یافتند، تلاش کردند که با این ای جنحالی را با دستاویز قرار دادن به اصطلاح خواهی نویسنده کتساب حل و فصل کنند و این آرا به پایان برسانند. اما خمینی این بیامدها را عقیم گذاشت.

افکار رعمومی جهان علیه کتسابی خمینی اضمی کند. پیش از یک هزار نویسنده از های مختلف جهان در دفاع از حقوق و آزادی در بریان اعتقادات و ایده های خود کمیته ای لمللی تشکیل داده اند. تشکیل چنین مجمعی بستندگان جهان یک اقدام کم نظیر است. تلاش نویسندگان قابل تقدیر و درخور حمایت جدی افکار رعمومی جهان دول اروپایی را نیز بر سه اض علیه فتوای خمینی واداشته است. این ن ها تحت فشار افکار رعمومی در جهان و کشورهای و در تعقیب نقشه های اروپایی، در مقابل خمینی واکتبی هماهنگ نشان دادند و مگرفتنده کتساب محدود کردند مناسبات سیاسی خود بیم، آن را تحت فشار قرار دهند. تصمیم مشترک دولت ها که به حمایت دگرگون شده، اما به هر رژیم که به حمایت غرب نیازمند است نجات قرار داده است.

در اجلاس کنفرانس اسلامی

در روزهای پایانی ماه گذشته وزارت امور خارجه کشورهای اسلامی در عربستان گرد آمدند. با تقاضا و امر از رژیم جمهوری اسلامی ما برای کتاب "آیات شیطانی" نیز در دستور کنفرانس اسلامی قرار گرفت. پیش از این بسیاری از مقامات کشورهای مختلف مواضع متفاوئی نسبت به خود کتاب و فتوای تروویستی خمینی علی بن نویسنده و ناسرین آن اتخاذ کرده بودند.

سازمان کنفرانس اسلامی در بریان نشست خود با انتشار رپرتاژ و بیوژهای، انتشار و گنجانده آيات شیطانی را محکوم کرد و نویسنده آن سلمان رندی را "مرد" اعلام کرد. در بیانیه ای از مجمع بین المللی خواسته شده که از سر مطالبی که اها نسبت به مفدمات دینی است، جلوگیری کنند.

موضع گیری کنفرانس و انتشار این رپرتاژ بیسه سلمان رندی که تحت تاثیر گرایش های عقب مانده و فتا رتعدادی از نمایندگان مرتجع این کشورها صورت گرفت، تا حدودی دست مقامات و دستگناه جهشی رژیم خمینی را برای تبلیغات و جنجال آفرینی با زکده است. نمایندگان و ووررای خارجه کشورهای شرکت کننده در کنفرانس که کم و بیش از فحایع بینمایر که در میهن ما تحت سیطره رژیم جنایتکاری می گذرد، اطلاع دارند، به این همما هانت ها و نتایج و نتایج به حرم زندگی انسان ها و اعتقادات مردم ما دیده غماض می نگرند، به جای

این که به این تحولات و سرکوبگری ها و فحایع ضد بشری و دخالت های بی جا در امور و سر نوشت مردم کشورهای دیگر که توسط رژیم خمینی صورت می گیرد، حساسیت و عکس العمل نشان دهند، برای سیاست ها و اقدامات تحریک آمیز، مدخله جویانه و ارتجاعی رژیم خمینی توجیه مناسبی پیدا می آورند.

لازم به تأکید است که کنفرانس اسلامی در کشورهای اسلامی در عین حال با رد فتوای تروویستی خمینی مبنی بر قتل سلمان رندی، توسل به چنین روش هایی را مردود و ناهنجار و عملا تلاش رژیم خمینی در کشاندن سایر کشورها به حاشیه ارتجاعی و فتوای خمینی به شکست انجامید.

اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی، علاوه بر موضع گیری فوق تحت تاثیر و توصیه نماینده رژیم مرتجع سعودی و برخی دیگر از وزرای دولت های ارتجاعی، نماینده ای از بیاض اصطلاح دولتی که توسط نیروهای ارتجاعی مخالف حکومت قانونی افغانستان تشکیل شده است را به جای نماینده و هیئت نمایندگان دولت افغانستان پذیرفت. این پذیرش علیرغم مخالفت های نمایندگان برخی دولت از جمله الجزایر، سوریه، لیبی و یمن صورت گرفت. اجلاس عملا با این شناسایی برآدا میسر و بیارویی نظامی و جنگ داخلی در افغانستان که به امر از این نیروی صورت می گیرد، منع گذاشت و در مقابل خواست میلیون ها مردم مسلمان و زحمتکش افغانستان که از جنگ خسته شده و خواهان صلح و سازندگی اند، قرار گرفت. □

مساله افغانستان راه حل نظامی ندارد

جنگ در افغانستان علیرغم خروج نام و تمام نیروهای نوری از آن کشور همچنان ادامه دارد. نیروهای اپوزیسیون حکومت افغانستان برای تسخیر چند شهر مهم افغانستان بر دامن حملات خود افزوده اند. این نیروها که یکی از یک تانک سخت و طولانی در راه جا دنیا هم به علت خدت ضا ده های درونی تا کام نمانده، به تشکیل یک "دولت اپوزیسیون" کدخی آنرا را در بر می گیرند، بسنده کردند. نیروهای مخالف دولت همه قوای نظامی، انسانی و تبلیغاتی خود را بسیج کرده اند تا با بدیگی و دشمنی در افغانستان را تسخیر و در آنجا "دستگاه دولتی" خویش را مستقر سازند. جلال آباد یکی از شهرهای غربی کشور به علت وضعیت سوق الجیشی و بیرون زدگی آن به خاک با کستان مورد توجه ویژه نیروهای مخالف قرار دارد. قریب یک ماه است که "حما هدی افغان" در چند کیلومتری این شهر مشغول جنگ سختی با نیروهای دولتی هستند. هم اکنون جنگ در جلال آباد به یک مسئله حیاتی می برآید دولت افغانستان و هم برای نیروهای اپوزیسیون تبدیل شده است. اپوزیسیون نگران آن است که با شکست در این جنگ، اعلام "تسواری حکومتی" آن بر روی کاغذ نماند و به لحاظ سیاسی آن شود.

افراطی مسلح گرفته تا نیروهای منتقد مساعبت بسیار نموده است. در جهت نثار دنیروهای افراطی مخالف، تا ثیرات مهم خود را بر جای گذا رد. عدم شرکت ائتلاف همت گانه در شورای حکومتی جدیدالتاسیس، اعتراضات فراوان ظاهر شاه و فرما ندها ن داخلی مخالف دولت علیه شورای فوق رایا بدست نه های دیگری از موفقیت و حقانیت مشر، مصالحه ملی دانست.

"دولت اپوزیسیون" اعلام شده تنها توسط رژیم عربستان به رسمیت شناخته شده است. رژیم سعودی که از همان روزهای کار آمدن حکومت مست مردمی در افغانستان به کمک مرتجع ترین نیروهای مخالف دولت شناخت، در طول این ده سال از خزانه دلارهای نفتی بیدریغ به آنان با یاری رسانده است. به رسمیت شناخته شدن "دولت اپوزیسیون" توسط عربستان عمدا متوجه عملی کردن وظایفی است که دولت امریکا در رابطه با سرکوب انقلاب افغانستان و پایان بخشیدن به حاکمیت مردمی در این کشور به عهده ریا ض گذاشته است. تقسیم کاری که هم اکنون بین رژیم های سعودی و پاکستان در این رابطه صورت گرفته، در شعله ور نگه داشتن آتش جنگ داخلی در افغانستان و امر از نیروهای اپوزیسیون برآه حل نظامی تا ثیرات خود را بر جای گذاشته است. آخرین اقدام حاکمیتی رژیم سعودی، وادار کردن سایر کشورهای عضو جامعه شورای اسلامی به پذیرش "دولت اپوزیسیون" به جای دولت قانونی افغانستان در حاصه فوق بود که کمک تعداد دیگری از سران مرتجع کشورهای اسلامی صورت گرفت. رژیم پاکستان نیز همچنان به مدخله آتشک و مستقیم علیه افغانستان ادامه می دهد. اخیرا تعداد دسرازان و مشاوران نظامی پاکستان در جبهه های جنگ افزایش چشمگیری پیدا کرده. عهده زبانی از آنها به همراهها همدین افغانی در اطراف جلال آباد کشته شده اند. پاکستان و امریکا به عنوان امضا کنندگان قرار داد ژنو نه تنها تاکنون بیسه تعهدات خود در قبال حل مسئله افغانستان پای بند نبوده اند، بلکه هر روز که می گذرد بر تحریکات و کار رتکنی های خود در این راه دوا منده حمایت های خود از نیروهای مخالف دولت می افزایند، مقامات واشنگتن جندی پیش برای جندمین بار و قیفا نه اعلام کرده اند که همچنان به کمک های خود به اپوزیسیون مسلح ضد انقلابی افغانستان ادامه می دهند. و این در حالی است که با خروج قوای شوروی از افغانستان دیگر هیچگونه توجیه و بیانه تبلیغاتی نه برای دولت امریکا و پاکستان و نه برای نیروهای اپوزیسیون باقی نمانده است. حاصل سیاست ها و اقدامات مدخله گرایانه امریکا و پاکستان چیزی جز فلاکت و ویرانی و کشتار برای مسلمانان افغانستان نبوده است. مردم افغانستان نگران آینده خود هستند. آنها نمیخواهند بر سران همان ساید که بر مردم مگروچک کیندوز در سال گذشته آمد. نیروهای افراطی اپوزیسیون چه در شهرهای خود را در فاجعتل عام زان و مردان، کودکان و بیبران این شهردر محاصره غذا یی و موکت بیاران دیگر شهرها نشان داده اند. حزب و دولت افغانستان یک بار چه مصمم هستند تا اجرای بیگیرانه منی مصالحه ملی و سازندگی ملخ و آرا منی به کشور، از حاکمیت ملی، شما میت ارضی و استقلال افغانستان دفاع کنند. □

فتوای تروویستی خمینی علیرغم حمایت های مل مرتجع مذهبی در برخی کشورها، جمهوری ی را در جهان بی آبرو و ترکدو هیت سرکوبگر دی کش آن را عیان تراخت. این واقعه به از پیش روشن کرد که رژیم ایران به جای مبارزه تی در مقابل مخالفین فکری خود تنها نیروی ثوب را تحویز و اعمال می کند. سر با کردن این توسط خمینی وادغ نگهداشتن اطلی این توسط آخوندهای حاکم اهداف مبینی را ل می کرد. این ماجرا موبد تلاش خمینی برای رف کردن اذهان مردم میهن ما از مناسبات پسر و مسال حادی است که با آن درگیرند. خمینی بیل به این ماجرا گوشید احساسات و باورهای وان قشری مذهبی خود را تحریک کنند و آن را دمت مشکل کردن آنرا قرار دهد و بر تفرقه نددستی بیروان ولایت فقیه که برای حفظ وری اسلامی زبان با راست علیه کند. خمینی نین می گوید با سوا استفاده از باورهای مذهبی ه های و مسلمان در کشورهای مختلف آنرا در راه افبان اسلامی خود به خدمت بگیرد و خود عنوان رژیم و هر چیان اسلام در اذهان مردم رهای اسلامی حایا ندها ز دوا را این طریق نیز سیر بی برای علیه بر اواع تا بسا مان کشور دست و نوا زبانی عتقاد ی بیشتر بیروانش جلوگیری پیدا.

کارنا مه سبب علیه خمینی در قتل و ویرانی، ما به ایی تلاشهای خمینی است و اثر بخشی آن را و دو مچود ترمی کند.

اقدام تروویستی خمینی جلوه ای از استبداد بین حاکم کشورها است. فتوای خمینی موبد پیش روی گسترش استبداد مذهبی در یک طبق مسلمان نشین جهان است. فضای ماهیت امات رژیم در سرانجهان توسط محافظین قی ایران و چین، به مردم مناطق مسلمان نشین ر کشورهای در شناخت جمهوری اسلامی و اهداف وان آن در آن کشورها کمک جدی می کنند. ساندین چیره و اوقتی رژیم حاکم بر مسین مسال ط نیروهای مترقی ایران در خارج از کشور یک فملی و بین المللی و یک اقدام انسانی است. احترام به باورهای مذهبی مردم، اعتقاد دهر ان آزاد اندیش است. در عین حال ساندین اذندیشی ایجاب می کند که به آزادی انسان ها شرقا ید مذهبی و غیر مذهبی احترام گذاشته . وقتی خمینی به خاطر انتشار یک کتاب که سبب سلیقه و معتقدات اونیست، فرمان قتل سندها را صادر می کند، این ارشاد رجدی به مخالف و احزاب مترقی جهان، دولت ها و مجامع ای اعتبار بین المللی در دفاع بیکسرا از حقوق به انسان ها و در دفاع از آزادی وجدان و عقیده

آخرین خبرها حاکی است که نیروهای مدافع انقلاب افغانستان موفق شدند تکست سخته نیروهای اپوزیسیون در اطراف جلال آباد واره آورند. اپوزیسیون با تحمل تلفات سنگینی از اطراف شهر عقب نشینی کرده اند و دولتی شهر کم و بیش هنوز مورد تهاجم و موشک و خمپاره است.

جندی پیش رهبری افغانستان با اعلام وضع فوق العاده در کشور، به بسیج همه نیروهای مدافع انقلاب مسالدرت و وزید. اعلام و وضع فوق العاده همرا ه بوده تا تغییرات مهمی در کابینه، سلطان نعلی گنمشند، نخست وزیر سابق به جای حسین سرق که یک شخصیت غیر حزبی بود، مجددا بیست نخست وزیر ی را به عهده گرفته است. بسیاری از وزرای کابینه تغییر کرده اند. کلیه افراد حزب دمکراتیک خلق افغانستان برای دفاع مسلحانه از دستاوردهای انقلاب مردم افغانستان در ارتش ثبت نام کرده اند.

افغانستان همزمان با تصمیمات فوق، به این سؤال که آیا سیاست استراتژیک افغانستان تغییر کرده است یا "مصالحه ملی" سیاست مواجعه و بیانه ای است که از دست کشیده می شود یا سچ می دهد، مطلقا خبر. آنها اعلام داشته اند "مصالحه ملی" تنها آلترنا تیووا قمع سبنا نه برای بازگشت ملخ و آرا منی به افغانستان است و برقراری موقتی حالت فوق العاده به معنای کنار گذاشتن منی مصالحه ملی نیست. سیاست مصالحه ملی نواسته است اول، در عربستان بین المللی حاکمیت ملخ خواهی دولت افغانستان را در افکار رعمومی جهان نه فقط و متنت بگذا رد و در عرصه ملی بروداری بیشتر مردم افغانستان را در دست را برآکیند، همچنین سدلح و جذب نیروهای سالم و مومنین دوست اپوزیسیون، امران سروهای

احد در این ماجرا در خورنا مل و سوال برانگیز ، رفتار سوادگرایانه دولت های اروپایی است. با این دولت ها افسا کرا دعای آن در دفاع از قی سراسر موبد آن است که تا کنونی مانع دولت ها به میا می آید. دفاع از حقوق بشر ای به قرار می گیرد. □

روز کارگر را گرامی بداریم

یادنامه رفیق فداکار فدایی خلق خلیل هوشیاری

سنت انقلابی بزرگداشت روزکارگر، سنت قوامبخشی همبستگی رزمی کارگران سراسر جهان از هرزاده، حسن، طمیت و فرهنگ است. اول ماه مه، بنا بر تکریم لندگی، دوازدهم فروردین کسپار و میرندگی گریزنا پذیردنیای ستوا استعمار، جهل و خرافه پرستی، تبعیض و نابرابری و استعمار روضاد برستی است.

در ایران اسیروما تمزدهما، در ایرانی که زیرنعلین ارتجاع آخوندی و ستوا استعمار لکام گسیخته سرما پیدا ری ناگزیر است حتی به خاطر بدیعی ترین و ابتدایی ترین حقوق فسیسردی و اجتماعی مبارزه کند، در ایرانی که در آن جهل و خرافه پرستی و فرهنگ تکبزه و اخلاقی، تبعیض اجتماعی و فتنه گر موشکن اقتصاد بی پیدا می کند، در ایرانی که گریزنا زیانه خونجکسان استبداد مذهبی به خود می پیچد، گرامی می آید شصت روز کارگر، برافراشتن پرچم آن رساندن پیام آن به توده های میلیونی مردم وظیفه ای است خطیر که امروزه مبرم تر از هر زمان در برابر نیروهای پیشرو و آگاه مبین مان قرار دارد.

در شان اول ماه مه، در پرتو ستارگان بیکیارانه طبقه کارگر ایران طی ۶۸ سال اخیر، جنبشی در سیاهترین دوره های تسلط استبداد سلطنتی و نقا هنی نیز، هیچگاه از زنا نه های زحمتکشان مبین ما فرو نیفتاده است. نه دیکتاتور ری زما نه و محمد رضا شاه و نه استبداد سیاه فقها هیچگاه مانع تداوم این سنت انقلابی و مردمی نشد. رژیم آخوندی ابتدا تمام مکناتش را برای نادیده گرفتن و منسوخ کردن این سنت و بی اعتبار کردن آن به کار گرفت. اما وقتی که از این شوطنه طرفی نیست، تلاش کرد بر باریابی مراسم فراموشی، به زعم خود استکار عمل را در بر گزار ی این جشن به دست گیرد و آن را به ترسبون تبلیغات جنگ طلبانه و ضد دیگران تیک خود بدل کند. اما اغلب کارگران با امتناع و اکسراه از شرکت در مراسم فراموشی رژیم و با سرگزار ی مستقلانه این جشن در واحدهای شان، رژیم را در دست یابی به هدفش ناگام کردند.

۱۰ سال نیز رژیم فتنه گر کی خمینی تلاش خواهد کرد با سیج باندهای انجمن اسلامی واحدهای مختلف، مراسم خیمه شب بازی را رونق بخند و به نام کارگران قطعنامه های مشتمل بر کنده و فساداری نسبت به خمینی و پشتیبانی از رژیم آخوندی صادر کند. اما سال نیز وزیر کار رژیم آخوندی با کمال وقاحت خواهده کوشیده بیروی از منویات مصرع در نامه بیستم دیماه ۶۷ خمینی به کارگران، طبقه کارگران را از دسما ل حاکمیت جمهوری اسلامی همچنان به ریاضت کشی و "قناعت" شویق کند و از "رفاه طلبی و مصرف گرایی" سرخوردارد.

افشای بی ایمان با و ه های مقامات حکومتی علیه کارگران، یکی از وظایف مهم فعالین کارگری و از ضروریات بزرگداشت روز کارگر و برابری از این سنت است. افشای ترسند های فتنه گر و تبلیغات عوام فریبانه رژیم و سیج توده های کارگران برای سرگزار ی مستقلانه جشن، قبل از هر چیزی در گروگی کارگران و آگاهان و زما نگران نیرو ه های پیشرو کارگران آگاه است. شرط مقدم استبداد موقفیت آمیز روز کارگر، ایجاد کمیته های سرگزار ی جشن اول ماه مه، بدورها و احداث. وظیفه تدارکاتی این کمیته ها کار توضیحی در باره مناسبات این روز در میان توده های کارگران، تارکید بر ضرورت گرامی داشت آن و برانگیختن کارگران به شرکت فعال در بر گزار ی این عید کارگری است. سیج توده کارگران برای شرکت در جشن، مستلزم استفا ده از تجارب گذشته به ویژه تجربه بر گزار ی جشن در سالهای اخیر و تیز دست زدن به ابتهکارات جدید است. کمیته های سرگزار ی جشن باید همه مراسم سنتی بر گزار ی روز کارگر نظیر تجلیل از کارگران قدیمی و خدمتگزار، تبادل هدایا، سرگزار ی سخنرانی های بدعرفتی مناسبت این روز و مضمون آن، و طرح مهمترین مطالبات و شعار های صنفی و سیاسی کارگران، به نحو مقتضی انجام دهد. مبارزه علیه سرکوب آزادی های سیاسی و سندنیکایی (از نقض آشکار حق شکل منفی گرفته تا سرکوب، مبارزه با زدا شدت و عدم فعالین و پیشروان کارگری) و نیز افشای سیاست فتنه گر ی رژیم در مطلق نگاهداشتن سرنوشت قانون کار، دموکراسی افشاگری و تبلیغات آگاهان و نیروهای پیشرو به ویژه هده های کارگری است.

اهم وظایف کارگران پیشرو آگاه در تدارک و برپایی جشن اول ماه مه سال عیار رشتنا ز:

۱- تشکیل کمیته های بر گزار ی جشن اول ماه مه در همه واحدهای تولیدی و خدماتی.

انقلابی برسا بقه، رفیق خلیل هوشیاری پس از تحمل ۹ سال شکنجه در زندان های رژیم جمهوری اسلامی، توسط دشمنان حاکم تیرباران شد. رفیق خلیل در سال ۱۳۲۶ در لنگرود در خانه ای زحمتکش و پیرا و ولاد متولد شد و در وضعیت معیشتی بسیار دشواری موفق شد دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه اش را بگذراند. زندگی خلیل از کودکی با کار روزحسنت عین بود. و برای گذران زندگی مناعل مختلف را از ازیاد دویی و میرزا بنوسی گرفته تا رانندگی طی کرد و سرانجام کارگری از کارخانجات رشت شد. با برآمدن جنبش فدا ثیان خلق، رفیق خلیل در ارتباط با رفیق شهید بهروز ارمانی و رفیق شهید حسن فرجودی فعالیت سیاسی و سازمانی را گسترش داد و با تمام وجود در راه آرمان فدا ثیان خلق کمام برداشت. رفیق خلیل در همین دوره مدتی نیز با رفیق شهید علی اکبر جعفری همکاری می کرد. پس از شهادت رفیق ارمانی، خلیل از کارخانه نیروان آمد و در شرایط قطع ارتباط با سازمان به فعالیت سیاسی محلی پرداخت. در سال ۵۶، پس از آزادی رفیق محمد حسن دیانگ شوری (ستور) از زندان رژیم شاه، رفیق خلیل دوشا دوش رفیق منصور و سه رفیق دیگر اقدام به تشکیل هسته اولیه گروه روزبه نمود. گروه روزبه سه یکی از بنیانگذارین گروه های هوادار سازمان در شمال و تهران شد. این گروه به ویژه در میان زحمتکشان حوادیه و خاک سفید تهران از نفوذ و بیگانه ها اجنعا ی فوای نامشکاهای برخوردار بود. گروه روزبه در جریان سسمدارک و اوچگیری انقلاب یمن، در برپایی تظاهرات های خیابانی، حفاظت تظاهرات، بر گزار ی تظاهرات های عکس نشد های سازمان، تکثیر و پخش وسیع اعلامیه ها و تراکت ها، دستگیر بندی های خیابانی و سرانجام دستگیری با دگان ها و مراکز مهم دولتی، سیم بسازی داشت.

پس از پیروزی انقلاب، رفیق خلیل فعالیت سیاسی سازمان را در کمیته شهر لنگرود ادامه داد. او که به واسطه فعالیت عمیق مردمی و ویژگیهای بارز اخلاقی اش از محبوبیت خاصی در میان توده مردم برخوردار بود، توانست در تقویت و گسترش با یگاه توده های سازمان در میان مردم نقش فوای نامشکاهای سازمان را در جریان ما موریتی سازمانی - جهت نقل و انتقال سلاحهای کسهدر جریان قیام صادره - در دیماه ۵۸ به همراه ۴ رفیق دیگر در تهران دستگیر و زندانی گردید. او در برابر شکنجه های مکرر و دشمنان جمهوری اسلامی سرافراز ی و استقامت تحسین انگیزی استناد و آنجا نگه دست فدا ثیان خلق است، بر میثاق خود با خلق بای فتنه. رفیق خلیل در تقویت روحیه سندنندان سیاسی جوان در شکنجه گاهای رژیم، نقش موثری داشت. او یکی از فعالین اصلی نخستین اعتصاب غذای زندان ها سیاسی در ایران بود.

جلادان اوین که پس از ۹ سال شکنجه برای به زانو در آوردن این فرزند دلاور خلق، بیوفی خود را در بای فتنه، سرانجام جان با کشی را تا ج کلوله کردند. خرافات بنا که رفیق خلیل دردل توده های جا و بدو حماسه باید از ایشان، الهام بخش هم در زندان است که راه های و پیروزی خلق را می بویسد. □

۲- تحریم مراسم فراموشی رژیم و بر گزار ی مستقلانه جشن از طریق سیج توده کارگران.

۳- تبلیغ بیکرو گسترده برای تشبیهت روز کارگر به عنوان روز تعطیل رسمی.

۴- تشویق کارگران به طرح مطالبات اساسی صنفی - سیاسی شان از قبیل، تدوین و اجرای قانون کار دموکراتیک، تامین آزادی های سیاسی و سندنیکایی و منع تعقیب و سرکوب فعالین و پیشروان کارگری، بر گزار ی اشتبا ت دموکراتیک برای ایجاد شکل های صنفی مستقل، نامیسن اشتغال، امنیت شغلی و بازگشت اخراجی ها بر سر کار...

۵- تبلیغ بیکرانه و وسیع شعار انجمن های اسلامی به مناسبت ارکان های پلیسی و لانه های حاسوسی رژیم در میان کارگران.

۶- تبلیغ و سر و بیج آگاهان در توضیح تاریخچه و مضمون اول ماه مه برای توده کارگران.

۷- تلاش برای صدور و ارسال پیام های همبستگی با کارگران و زحمتکشان جهان و نیز جلب حمایت و پشتیبانی سازمان ها و سرو ه های کارگری و شرقیخواه جهان از مسارات عادلانه مردم ایران

به ویژه نجات جان زندان ها سیاسی کشور و تشبیه سرکوب و عدم فعالین و پیشروان کارگری ایران □

یادنامه رفیق فداکار فدایی خلق ناصر عطا

آنکا هکده او را به حوضه آتش سپردند، گرم طراوت ۲۶ سپهر را در جانش داشت. در شهر بند شهربان و سپهر رنارنج دیده کوشود و در دامن ما نجیب و مردم دوست با لید و شکفت. ما در می گفت: "ملک شدنا نگ نندارم ولی یک ناصر در ارم که وقت در کوجه می گذارد، کوجه روشن می شود". ستر چون نخلی استوار به با رشتست. ا به دانگشده علوم انسانی دا شنگاه تهران را هیا از دا شنجویان مبارز و هوادار فدا ثیان خلق گر جا صه شناسی را به پایا ن رساند و دبیر دبیر ستار کرمان شد.

در انقلاب بهمن با زوان ستر ناصر، کمیته شن می کشید و شبها هم خروش برطنین آواز شرب سرود ای رفیقان در کوجه های جان می نشست. خورش، با هستی و کارش کوجه ها و دلها را روشن می بخشید. پیام آور فدا ثیان خلق و بیگ انتقال سودا و.

در سازمان تندی هواداران سازمان در اد کرمان با تمام توان کوشید و از نخستین با نیس تشکیلات سازمان در این استان بود. مسئولیت انتشارات را در کمیته با لنتی نیز داشت. وقت آخوند جلاد، فهیم کرمانی، رفقا علی و سعید میرشک را ترور کردند و مردم در سرکوب دا شنجویان پیشگام ما سروا بیل تکثیر و انتشارات را خا نه به خا نه ج نا می کرد و اعلامیه های کمیته سازمان در استان کرمان را به دفاع از جان دا شنجویان در بدست می کرد. او با چنان خونسردی و دقتی وظایف انقلابی اش را پیش می برد که با وجود بیکرده های کمیته و عوام لیل دادگاه انقلاب اسلامی کرمان شانس می ماند.

رفیق ناصر به ما هم دبیری متعهد و دلس محبوب داشت آموزش و همکاران بود. او مؤن عشق و دوستی بود. رفیق ناصر توسط کوردلان جا از ادا مه تدریس محروم گردید.

دروا خراسان ۶۲ مجبور شد برای کما زندگی به تهران برود. او ضمن کار در یکس واحدهای بزرگ مربوط به تاسیسات برق و فشن قوی، مسئولیت سنگینی را به ما همیک کار در با تج در یکی از مهمترین گروه های مرکزی سازمان عهده دار شد. رفیق ناصر مسئولیت تدارک کما بسیاری ارتباطات علنی را به عهده داشت و مانند همیشه خونسرد و گشاده رو و وظایف خطیر سازمانی را علیرغم شرایط دشوار کار بیکرانه انجام می داد. در سال ۶۳ ازدواج کرد و صاحب فرزندی که پیش از آنکه نام پدر را آواز دهد، پدر از گزم خون آنا خمینی بودند. رفیق ناصر سه ماهه زب شکنجه های حیوانی رژیم قرار داشت. شکنجه چنان جسمن را فشرده که زنجیر سترقا متش نشد ستونی شکیده اما با برجا وکا کلی پیرشان بر جام که چونان پرچی به شانه ایستادگی در اهتزاز بی مور سخن نگفت.

در بیادگاه اسلامی ابتهابه ۱۲ زندان محکوم شد ولی هم اندد دیگر همزنجیر آهین عزمی در شهر بویا ه ۶۷ به انا ره ج حماران در برابر جوخا عدا مقرار گرفت. بدیند نخل بلند استوار گردید، افشا تنده گ ایمان و امید به پیروزی و پیروزی مردم، ایستا مرد، بر جخا طره اش جا ودا شه در اهتزاز باد.

زندانی سیاسی آزاد باید گرد

آدرس
P. 10
1091 WIEN
AUSTRIA
حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER